

## تحلیل جامعه‌شناختی عوامل مؤثر بر گرایش زوجین به طلاق در استان اصفهان

دکتر ابوالقاسم فاتحی دهاقانی<sup>۱</sup>  
علی محمد نظری<sup>۲</sup>

تاریخ دریافت: ۸۹/۱۰/۴  
تاریخ پذیرش: ۸۹/۱۱/۱۶

### چکیده

هدف از انجام این پژوهش بررسی جامعه‌شناختی عوامل مؤثر بر میزان گرایش زوجین به طلاق در استان اصفهان است. چارچوب نظری این تحقیق ترکیبی از نظریه‌های همسان همسری، مبادله، شبکه، قشر بندی اجتماعی (منزلت اجتماعی) و نظریه تصورات اجتماعی می‌باشد. در این تحقیق از روش پیمایش استفاده شده است و از پرسشنامه به عنوان تکنیک و ابزار جمع‌آوری اطلاعات استفاده شده است. جامعه‌ی آماری این تحقیق، زوجینی هستند که در ۹ ماه از ابتدای سال ۱۳۸۹ به مراکز کاهش طلاق در سطح استان اصفهان مراجعه کرده و پرونده‌های آنان هنوز منجر به مصالحه نشده است. در این تحقیق از روش نمونه‌گیری سهمیه‌ای استفاده شده است و حجم نمونه بر اساس فرمول کوکران، ۳۳۰ نفر تعیین شده است. متغیر وابسته‌ی تحقیق، میزان گرایش به طلاق است که سعی شده با به کارگیری تکنیک‌های آماری اثرات متغیرهای مستقل (نظیر دخالت بی‌جای اطرافیان در زندگی زوجین، تفاوت منزلت اجتماعی، رضایت زندگی زناشویی و تصور مثبت از پیامدهای طلاق) بر آن مورد سنجش قرار گیرد. نتایج تحقیق نشان داد که بیش از نیمی از پاسخگویان (۵۲/۷ درصد، ۱۷۴ نفر) گرایش متوسط و نزدیک به ۷/۶ درصد از آنان گرایش قوی به طلاق دارند. تحلیل رگرسیونی داده‌ها حاکی از آن است که متغیرهای میزان دخالت بی‌جای اطرافیان در زندگی زوجین، میزان تفاوت منزلت بین زوجین، رضایت زندگی زناشویی و تصور مثبت از پیامدهای طلاق به شکل مستقیم بر میزان گرایش به طلاق تأثیر داشته‌اند که از این میان، متغیرهای میزان دخالت بی‌جای اطرافیان در زندگی زوجین و میزان تفاوت منزلتی زوجین بیشترین تأثیر بر میزان گرایش به طلاق را داشته‌اند.

واژه‌های کلیدی: گرایش به طلاق، دخالت بی‌جای اطرافیان، تفاوت منزلت زوجین، رضایت زندگی زناشویی، تصور مثبت از پیامدهای طلاق.

خانواده نوعی نظام اجتماعی و واحدی عاطفی است که کانون رشد و التیام، تغییر و تحول و آسیب‌شناسی اعضاء و روابط بین آنهاست. همچنین خانواده عامل همبستگی و شرط تعادل اجتماعی و رکن اصلی جامعه است که در هر عصری و نسلی عملکرد دارد و معمولاً این عملکرد در الگوهای تعاملاتی اعضایش تجلی می‌کند.

ازدواج یکی از سه نقطه عطف زندگی انسان است، یعنی تولد، ازدواج و مرگ. ازدواج با ایجاد تغییراتی در دیدگاه فرد نسبت به خود، همسر و جهان مرتبط می‌باشد. فردی که ازدواج می‌کند در زمینه‌های درون روانی، بین فردی و اجتماعی تحت تأثیر تغییراتی قرار می‌گیرد. بنابراین اگر اختلال مهمی در ازدواج فرد رخ دهد، همه فرایندهای فردی، بین فردی و اجتماعی وی تحت تأثیر قرار می‌گیرد. تحولات اجتماعی دهه‌های گذشته در سطح جهانی، نظام خانواده را با تغییرات، چالش‌ها، مسائل و نیازهای جدید و متنوعی روبرو کرده است. طی این مدت خانواده به شکلی فزاینده به علل و عوامل متعدد و پیچیده‌ای در معرض تهدید قرار گرفته است. وقتی کارکردهای خانواده، از قبیل کارکردهای زیستی، اجتماعی، شناختی و عاطفی یکی پس از دیگری آسیب می‌بیند، اعضای آن به تدریج احساس رضایتمندی خود را از دست می‌دهند. کاهش تدریجی رضایتمندی اعضای خانواده، ابتدا موجب گسستگی روانی و سپس گسستگی اجتماعی و در نهایت واقعه حقوقی می‌شود که این گسستگی، طلاق نامیده می‌شود. اگرچه طلاق از نظر اجتماعی یک آسیب به حساب می‌آید و از عوامل گسیختگی و از هم پاشیدگی کانون خانواده است، ولی به علل مختلفی همه ازدواج‌ها دوام ندارند و برخی به طلاق ختم می‌شوند. از این رو، برای پیشگیری از وقوع طلاق و کاهش آن در جامعه، باید عوامل مؤثر در گرایش به طلاق را شناسایی و برای حذف یا کم‌رنگ کردن این عوامل تلاش نمود.

## طرح مسئله

نحوه انتخاب همسر می‌تواند بر میزان سازگاری و رضایت زوجین مؤثر باشد به گونه‌ای که نزدیکی‌های مکانی، خویشاوندی، اجتماعی، فرهنگی، مذهبی و ... موجب سازگاری

بیشتر زوجین و کاهش امکان اختلاف و جدایی و نهایتاً طلاق می‌شود. واژه طلاق در زبان فارسی به معنی بیزاری و جدایی کامل است (فیض کاشانی، ۱۳۶۲: ۶). طلاق شیوه‌ای نهادی شده و تحت نظارت سازمان‌های اجتماعی، در راه پایان دادن به پیوند زناشویی است. همانطور که می‌دانیم طلاق پدیده‌ای تاریخی است و با پیدایی ازدواج همگام می‌باشد و به قول ولتر<sup>۱</sup> نویسنده و دانشمند معروف فرانسوی، ازدواج و طلاق در این جهان تقریباً با هم متولد شده‌اند. شاید ازدواج چند روزی زودتر متولد شده باشد. زیرا پس از زناشویی و گذشت چند روز کار زن و شوهر به زد و خورد و طلاق کشیده شده است (صدر، ۱۳۲۷: ۲۴۲؛ گواهی، ۱۳۷۳: ۱۵؛ حقانی زنجانی، ۱۳۷۴؛ ستوده، ۱۳۸۲). حقیقت این است که ازدواج و طلاق باهم به دنیا آمده‌اند و هر دو از قدیم بوده‌اند و هر دو برای بشر ضروری و لازم‌اند. گرچه می‌توان تصور نمود که طلاق بعنوان یک پدیده اجتماعی همزاد با ازدواج بوده باشد؛ اما طلاق بعنوان یک پدیده اجتماعی مصوب و قانونمند، قدمتی طولانی ندارد. اولین اشکال قانونی و شناخته شده طلاق را می‌توان در قوانین حمورابی، حدود ۲۳۰۰ سال قبل از میلاد مسیح مشاهده کرد که زن جزو املاک و دارایی‌های مرد محسوب شده و شوهر می‌توانست به دلخواه خود، بدون هیچ دلیلی زن را طلاق دهد. در میان یهودیان نیز، طلاق حق مسلم و ویژه جنس مذکر محسوب می‌گردید. بر اساس نخستین قوانین رومی، شوهر کاملاً حق داشت تا رابطه زناشویی را گسیخته و از تعهدات خانوادگی شانه خالی کند، گرچه با برخی محدودیت‌ها در این راه مواجه می‌شد. پس از ظهور مسیحیت، قوانین رومی راجع به طلاق به طور قابل ملاحظه‌ای تعدیل گردید و تا نیمه قرن چهارم میلادی، طلاق با توافق طرفین امکان‌پذیر گردید (پوتن<sup>۲</sup>، ۱۹۹۶: ۲۶-۷). در دین اسلام نیز، گرچه طلاق یک امر ناپسند و مذموم شمرده می‌شود، اما وقوع آن در برخی شرایط امکان‌پذیر است. محور تدریجی و بعضاً ناگهانی نهادهای خاص جامعه فتووالی، تضعیف خانواده پدرسالار که نگاهدار ارکان خانواده سنتی بوده است و در کنار آن رشد تضادها و تقابل‌های روز افزون اجتماعی، باعث فرو ریختن سنت‌های کهن و جایگزینی ارزش‌های اخلاقی در اجتماعی تازه می‌گردد و مفاهیم سنتی و طرز کهن زندگی خصوصی و خانوادگی را

1- Voltaire

2- Pothen

3- Walcjak & Burns

## Archive of SID

متحول کرده و به مبارزه می‌خواند (والچاک و شیلابرنس<sup>۳</sup>، ترجمه‌ی فرزانه طاهری، ۱۳۶۶: ۱۲-۱۳). بررسی روند تاریخی پدیده طلاق در جوامع، نشانگر این است که هر چه از نظام زمین‌داری به جامعه‌ی صنعتی و سرمایه‌داری نزدیک می‌شویم، امکان و فراوانی طلاق افزایش می‌یابد تا جایی که امروزه شاهد افزایش آمار طلاق در اکثر مناطق جهان می‌باشیم. طلاق در زمره غم‌انگیزترین پدیده‌های اجتماعی است و همانطور که بر جامعه آثار شوم بر جای می‌گذارد، تعادل انسان‌ها را ناپایدار می‌سازد. طلاق باعث ازهم پاشیده شدن کانون گرم خانواده می‌شود و همبستگی بین زن و مرد را می‌گسلد (ستوده، ۱۳۸۲: ۲۳۷). برناردز (۱۳۸۴: ۲۵۲) در کتاب خود به این موضوع اشاره می‌کند که دومینیان و دیگران (۱۹۹۱) شواهد مفصل و ارزشمندی ارائه کرده‌اند که نشان می‌دهد از هم پاشیدگی زندگی مشترک، با مجموعه گسترده‌ای از شاخص‌های سلامتی در ارتباط است. در این رابطه پیران (۱۳۶۹: ۳۵) بیان می‌کند که اکثر بررسی‌های انجام شده، از رابطه بین طلاق با اعتیاد، جرم و بزهکاری، روان‌پریشی، عدم تعادل شخصیتی، مسائل آموزشی و تربیتی، خودکشی و یا جامعه‌ستیزی و نظایر آن حکایت می‌کنند و طلاق را موجد آن‌ها به شمار می‌آورند. در جوامع پیشرفته صنعتی، روابط انسانی و در پی آن روابط خانوادگی از ابعاد معنوی تهی و در نتیجه سست، سرد و آسیب پذیر شده است؛ تنها هدف زندگی مشترک، ارضای خواسته‌های غریزی است و جسم و خواسته‌های آن، محور تمام ارزش‌ها و کوشش‌هاست (ساروخانی، ۱۳۷۶: ۱۲۰). از دهه ۱۹۵۰، نرخ طلاق در همه کشورهای صنعتی افزایش یافته است. حتی در کشورهایی که موانع مذهبی و حقوقی محکمی دارند طلاق زیادتر شده است. بر اساس گزارش اداره ثبت اسناد آمریکا در سال ۱۹۹۸، هر سال بیش از یک میلیون کودک طلاق را تجربه می‌کنند که نیمی از آن‌ها زیر ۱۸ سال سن دارند (سالتر و لوگیلا، ۱۹۹۸).

بین سال‌های ۱۹۶۰ و ۱۹۷۰ میزان طلاق در بریتانیا به طور ثابت هر سال ۹ درصد افزایش یافت و در طی آن دهه تا سال ۱۹۷۲ دو برابر شد (گیدنز، ۱۳۸۵: ۴۲). همچنین این میزان از ۲/۸ در هزار در سال ۱۹۸۱ به ۳/۱ در هزار در سال ۱۹۹۳ رسیده است. هر چند میزان طلاق در بریتانیا شباهت زیادی به ایالات متحده دارد، اما تفاوت چندانی با سایر

کشورهای اروپایی ندارد. در دانمارک میزان طلاق بالاست و آلمان و فرانسه درست پشت سر این کشور قرار دارند (برناردز، ۱۳۸۴: ۴۴). گزارش‌ها نشان می‌دهند که در آمریکا ۲/۳ ازدواج‌ها به طلاق می‌انجامد (مارتین و بامپاس ۱۹۸۹ به نقل از نوابی‌نژاد، ۱۳۷۴). میزان طلاق در آمریکا ۶۰ درصد بالاتر از سوئد، انگلستان و کانادا و تقریباً ۳ برابر بیشتر از آلمان و فرانسه و ۱۰ برابر بیشتر از ایتالیا است. تعداد کسانی که در آمریکا طلاق گرفته‌اند، ۴/۳ میلیون نفر در سال ۱۹۷۰ به ۱۷/۶ میلیون نفر در سال ۱۹۹۵ رسیده است. احتمال بروز طلاق و جدایی در ازدواج‌های امروز در کشور آمریکا ۶۰ درصد برآورد گردیده است. شانس طلاق در جوانان آمریکایی که برای اولین بار ازدواج می‌کنند ۴۰ درصد تا ۵۰ درصد می‌باشد. برآورد گردید که احتمال طلاق در ازدواج اول ۵۰ تا ۶۷ درصد است و این احتمال در ازدواج دوم ۱۰ درصد افزایش می‌یابد (National vital Statistics Reports). آمارهای موجود در خصوص ازدواج و طلاق در دنیا حاکی است که بالاترین نرخ طلاق در دنیا در سال ۲۰۰۷، مربوط به کشور سوئد با ۵۴/۹ درصد طلاق می‌باشد و کشورهای آمریکا، بلاروس، فنلاند، لوگزامبورگ، استونی، دانمارک، بلژیک، استرالیا و جمهوری چک به ترتیب رتبه‌های دوم تا دهم را به خود اختصاص داده‌اند (nitawriter.wordpress.com).

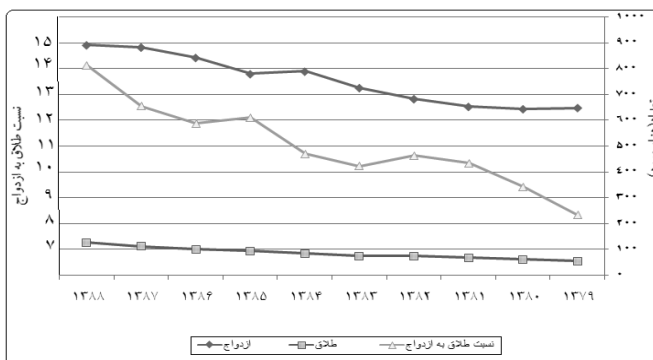
در مجموع، آمارها حاکی از رشد نرخ طلاق طی دهه‌های قبل در کشورهای غربی است. در ایران نیز وضعیت بر همین منوال است. نرخ رشد طلاق طی سال‌های اخیر سیر صعودی داشته است. بر اساس آمارهای به‌دست آمده از سازمان‌های مربوطه (سازمان ثبت احوال کشور) در ایران در سال ۱۳۷۹، ۶۴۶ هزار و ۴۹۸ نفر باهم ازدواج کرده‌اند و در همین سال، ۵۳ هزار و ۷۶۷ نفر از هم جدا شده‌اند. به عبارت دیگر از هر ۱۰۰ ازدواج ۸/۳ فقره از آن‌ها به طلاق منجر شده است. این در حالی است که در سال ۱۳۸۴ از هر ۱۰۰ ازدواج تقریباً ۱۰/۷ به طلاق منجر شده است و این رقم در سال ۱۳۸۸ به ۱۴ فقره طلاق در هر ۱۰۰ فقره ازدواج افزایش یافته است و این آمار حاکی از افزایش نرخ طلاق در این

جدول شماره (۱) تعداد ازدواج و طلاق ثبت شده و نسبت طلاق به ازدواج در کل کشور، به تفکیک سال

سال	ازدواج	طلاق	نسبت طلاق به ازدواج (درصد)
۱۳۷۹	۶۴۶۴۹۸	۵۳۷۶۷	۸/۳۲
۱۳۸۰	۶۴۱۹۴۰	۶۰۵۰۰	۹/۴۲
۱۳۸۱	۶۵۰۹۶۰	۶۷۲۵۶	۱۰/۳۳
۱۳۸۲	۶۸۰۹۹۷	۷۲۳۵۹	۱۰/۶۳
۱۳۸۳	۷۲۳۹۷۶	۷۳۸۸۲	۱۰/۲۱
۱۳۸۴	۷۸۷۸۱۸	۸۴۲۴۱	۱۰/۶۹
۱۳۸۵	۷۷۸۰۲۳	۹۴۰۴۰	۱۲/۰۹
۱۳۸۶	۸۴۱۱۰۷	۹۹۸۵۲	۱۱/۸۷
۱۳۸۷	۸۸۱۵۹۲	۱۱۰۵۱۰	۱۲/۵۳
۱۳۸۸	۸۹۰۲۰۸	۱۲۵۷۴۷	۱۴/۱۲

منبع: سازمان ثبت احوال کشور

نمودار شماره ۱: تحولات تعداد ازدواج و طلاق و نسبت طلاق به ازدواج ثبت شده به تفکیک سال



در آمار طلاق مربوط به استان اصفهان نیز شاهد افزایش نرخ طلاق هستیم. به گونه ای که نرخ طلاق از سال ۱۳۷۵ تا سال ۱۳۸۰، ۱/۵ واحد افزایش یافته است و تا سال ۱۳۸۵ به مقدار ۶/۱ واحد افزایش پیدا کرده است. و تا سال ۱۳۸۸ نرخ طلاق نسبت با سال ۱۳۷۵ افزایشی ۷/۲ واحدی داشته است. اطلاعات مربوط به تعداد ازدواج ها و طلاق ها و همچنین

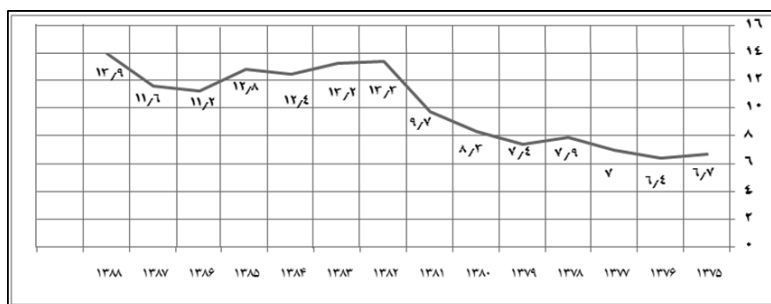
نرخ طلاق و تغییرات آن نسبت به سال قبل در جدول و نمودار شماره (۲) ارائه شده است.

جدول شماره (۲) آمار ازدواج و طلاق در استان اصفهان از سال ۱۳۷۵ تا ۱۳۸۸

سال	ازدواج		طلاق		تغییر نرخ طلاق نسبت به سال قبل
	تعداد	درصد تغییرات نسبت به سال قبل	تعداد	درصد تغییرات نسبت به سال قبل	
۱۳۷۵	۳۴۲۸۶	—	۲۲۸۵	—	۶/۷
۱۳۷۶	۳۶۱۵۷	+۵/۵	۲۳۱۳	+۱/۲	-۰/۳
۱۳۷۷	۳۶۷۹۴	+۱/۸	۲۶۰۲	+۱۲/۵	+۰/۶
۱۳۷۸	۴۰۴۶۰	+۱۰	۳۱۹۹	+۲۲/۹	+۰/۹
۱۳۷۹	۴۲۳۷۷	+۴/۷	۳۱۴۹	-۱/۶	-۰/۵
۱۳۸۰	۳۹۸۰۷	-۶/۱	۳۳۰۴	+۴/۹	+۰/۹
۱۳۸۱	۴۰۴۲۴	+۱/۵	۳۹۳۲	+۱۹	+۱/۴
۱۳۸۲	۴۲۵۱۷	+۵/۲	۵۶۶۹	+۴۴/۲	+۳/۶
۱۳۸۳	۴۳۶۱۴	+۲/۵	۵۷۸۳	+۲	-۰/۱
۱۳۸۴	۴۷۷۵۶	+۹/۵	۵۹۳۱	+۲/۵	-۰/۸
۱۳۸۵	۴۷۳۴۱	-۰/۹	۶۰۷۹	+۲/۵	+۰/۴
۱۳۸۶	۵۰۵۱۲	+۶/۷	۵۶۵۸	-۶/۹	-۰/۶
۱۳۸۷	۵۴۸۹۰	+۸/۷	۶۳۸۵	+۱۲/۸	+۰/۴
۱۳۸۸	۵۱۹۹۷	-۵/۳	۷۲۲۸	+۱۳/۲	+۲/۳
جمع کل	۶۰۸۹۳۲	—	۶۳۵۱۷	—	۱۰/۴۳

منبع: سازمان ثبت احوال استان اصفهان

نمودار شماره ۲: نرخ طلاق در استان اصفهان از سال ۱۳۷۵ تا ۱۳۸۸



اطلاعات مندرج در جدول و نمودار فوق نشان‌دهنده افزایش نرخ طلاق در استان اصفهان می‌باشد. در سال ۱۳۷۵ تعداد ازدواج‌ها ۳۴۲۸۶ نفر و تعداد طلاق‌ها ۲۲۸۵ نفر بوده است. یعنی از هر ۱۵ ازدواج، یکی از آن‌ها به طلاق منجر شده است. در سال بعد وضعیت کمی بهتر شده با توجه به کاهش نرخ ۰/۳ نسبت به سال ۱۳۷۵، از هر ۱۵/۶ ازدواج، یکی

## Archive of SID

از آن‌ها به جدایی کشیده شده است. در سال ۱۳۷۷ از هر ۱۴ ازدواج، سال ۱۳۷۸ از هر ۱۲/۶ ازدواج، در سال ۱۳۷۹ با بهبود وضعیت نسبت به سال قبل، از هر ۱۳/۴ ازدواج، در سال ۱۳۸۰ با بدتر شدن وضعیت نسبت به سال قبل، از هر ۱۲ نفر، در سال ۱۳۸۱ از هر ۱۰/۳ ازدواج، در سال ۱۳۸۲ و ۱۳۸۳ از هر ۷/۵ ازدواج، در سال ۱۳۸۴ از هر ۸ ازدواج، در سال ۱۳۸۵ از هر ۷/۸ ازدواج، در سال ۱۳۸۶ از هر ۹ ازدواج، در سال ۱۳۸۷ از هر ۸/۶ ازدواج و در سال ۱۳۸۸ از هر ۷/۲ ازدواج، یکی از آن‌ها به طلاق انجامیده شده است. همانگونه که این آمار و ارقام نشان می‌دهند، همواره نسبت ازدواج به طلاق کاهش پیدا کرده است و آمار طلاق در استان اصفهان روندی صعودی را طی کرده است. با توجه به افزایش آمار طلاق در کشور و استان اصفهان، در این پژوهش در پی آنیم تا به بررسی آن دسته از عوامل اجتماعی - خانوادگی بپردازیم که بر زندگی زوجین تأثیر منفی گذاشته، گرایش آنان را به طلاق افزایش داده و نهایتاً موجب گردیده است که آنان برای رفع مشکل خود به مراکز کاهش طلاق بهزیستی در سطح استان مراجعه کنند. لذا تحقیق حاضر در پی پاسخ دادن به سؤال‌های زیر می‌باشد:

- ۱- دخالت بی‌جای دیگران در زندگی زوجین تا چه اندازه‌ای در گرایش آنان به طلاق مؤثر است؟
- ۲- رضایت زندگی زناشویی تا چه اندازه‌ای در گرایش زوجین به طلاق مؤثر است؟
- ۳- تفاوت منزلت اجتماعی زوجین تا چه اندازه‌ای در گرایش آنان به طلاق مؤثر است؟
- ۴- تصور مثبت از پیامدهای طلاق تا چه اندازه‌ای در گرایش زوجین به طلاق مؤثر است؟
- ۵- مهم‌ترین عامل مؤثر در گرایش زوجین به طلاق در استان اصفهان چیست؟

### پیشینه پژوهش

پژوهشگران متعددی در داخل و خارج کشور، به بررسی مسئله طلاق پرداخته و به علل و ریشه‌ها و به ویژه پیامدها و عوارض فردی، خانوادگی و اجتماعی آن توجه کرده‌اند. در ادامه با توجه به موضوع این تحقیق «تحلیل جامعه‌شناختی عوامل مؤثر بر گرایش زوجین به طلاق در استان اصفهان» به تحقیقاتی با زمینه‌های علل اجتماعی مؤثر بر طلاق اشاره



تعداد قابل توجهی از این تحقیقات به رابطه بین وقوع طلاق و عواملی نظیر:

دخالت دیگران در زندگی زوجین (داودی، ۱۳۵۶؛ تقی‌زاده، ۱۳۵۹؛ پیران، ۱۳۶۹؛ جلیلیان، ۱۳۷۸؛ رحیمی، ۱۳۷۹؛ سپهریان، ۱۳۷۹؛ مختاری، ۱۳۷۹؛ ثنایی و باقریان‌نژاد، ۱۳۸۲؛ کلدی و شعبانی، ۱۳۸۳؛ طباطبایی، ۱۳۸۳؛ قطبی؛ ۱۳۸۳)؛ عدم تفاهم و توافق اخلاقی و عقیدتی زوجین (مه پویان، ۱۳۵۴؛ سیف‌اللهی، ۱۳۶۷؛ صالح‌صدق‌پور، ۱۳۷۷؛ جلیلیان، ۱۳۷۸؛ رحیمی، ۱۳۷۹؛ سپهریان، ۱۳۷۹؛ ریحانی و عجم، ۱۳۸۱؛ قطبی، ۱۳۸۳؛ آقاجانی مرسا، ۱۳۸۴؛ یوسفی و دیگران، ۱۳۸۹)؛ میزان تحصیلات و تفاوت تحصیلی زوجین (تقی‌زاده، ۱۳۵۰؛ مه پویان، ۱۳۵۴؛ داودی، ۱۳۵۶؛ دانش و همکاران، ۱۳۷۰؛ صالح‌صدق‌پور، ۱۳۷۷؛ جلیلیان، ۱۳۷۸؛ رحیمی، ۱۳۷۹؛ ریحانی و عجم، ۱۳۸۱؛ میراحمدی زاده و دیگران، ۱۳۸۲؛ شیرزاد، ۱۳۸۳؛ طباطبایی، ۱۳۸۳؛ مولوی، ۱۳۸۳)؛ تفاوت سنی زوجین (مه پویان، ۱۳۵۴؛ داودی، ۱۳۵۶؛ کریمی‌تهرانی، ۱۳۵۸؛ گلشن، ۱۳۷۲؛ رحمان‌پناه، ۱۳۷۴؛ صالح‌صدق‌پور، ۱۳۷۷؛ جلیلیان، ۱۳۷۸؛ مددی، ۱۳۷۸؛ سپهریان، ۱۳۷۹؛ رحیمی، ۱۳۷۹؛ ریحانی و عجم، ۱۳۸۱؛ طباطبایی، ۱۳۸۳؛ شکرکن و دیگران، ۱۳۸۵)؛ مشکلات مالی و اقتصادی (تقی‌زاده، ۱۳۵۹؛ سیف‌اللهی، ۱۳۶۷؛ دانش و همکاران، ۱۳۷۰؛ بنی‌اسدی، ۱۳۷۵؛ رحیمی، ۱۳۷۹؛ مختاری، ۱۳۷۹؛ ریحانی و عجم، ۱۳۸۱؛ شیرزاد، ۱۳۸۳؛ قطبی، ۱۳۸۳؛ آقاجانی مرسا، ۱۳۸۴)؛ اعتیاد (داودی، ۱۳۵۶؛ سیف‌اللهی، ۱۳۶۷؛ رحیمی، ۱۳۷۹؛ سپهریان، ۱۳۷۹؛ کلدی و شعبانی، ۱۳۸۳؛ شیرزاد، ۱۳۸۳؛ قطبی، ۱۳۸۳؛ طباطبایی، ۱۳۸۳)؛ بیکاری مردان (دانش و همکاران، ۱۳۷۰؛ گلشن، ۱۳۷۲؛ مددی، ۱۳۷۸؛ سپهریان، ۱۳۷۹؛ طباطبایی، ۱۳۸۳؛ شیرزاد، ۱۳۸۳؛ آقاجانی مرسا، ۱۳۸۴)؛ نداشتن فرزند و نازایی (مه پویان، ۱۳۵۴؛ تقی‌زاده، ۱۳۵۹؛ سیف‌اللهی، ۱۳۶۷؛ طباطبایی، ۱۳۸۳؛ شیرزاد، ۱۳۸۳)؛ نوع شغل مردان (گلشن، ۱۳۷۲؛ ریحانی و عجم، ۱۳۸۱؛ آقاجانی مرسا، ۱۳۸۴)؛ اشتغال زن به کار بیرون از خانه (مه پویان، ۱۳۵۴؛ کریمی‌تهرانی، ۱۳۵۸؛ گلشن، ۱۳۷۲؛ آقاجانی مرسا، ۱۳۸۴)؛ تعدد زوجات و چندهمسری (تقی‌زاده، ۱۳۵۹؛ دانش و همکاران، ۱۳۷۰؛ سپهریان، ۱۳۷۹)؛ عدم پابندی مذهبی (بنی‌اسدی، ۱۳۷۵؛ ریحانی و عجم، ۱۳۸۱؛ ثنایی ذاکر و باقریان‌نژاد، ۱۳۸۲؛ طباطبایی، ۱۳۸۳؛ فاتحی-زاده؛ ۱۳۸۳)؛ ایده‌آل‌سازی‌های ناموجه و مردسالاری (پیران، ۱۳۶۹؛ رحمان‌پناه، ۱۳۷۴)؛ عدم اعتماد و سوءظن (پیران، ۱۳۶۹؛ مددی، ۱۳۷۸)؛ عدم توافق در مسائل

## Archive of SID

جنسی و زناشویی (داودی، ۱۳۵۶؛ بنی اسدی، ۱۳۷۵؛ ثنایی ذاکر و باقریان نژاد، ۱۳۸۲)؛ و وجود روابط نامشروع جنسی (صالح صدق پور، ۱۳۷۷؛ سپهریان، ۱۳۷۹) اشاره کرده‌اند.

از سوی دیگر برخی از مطالعات انجام شده در زمینه عوامل مؤثر بر طلاق نشان‌دهنده رابطه مستقیم طلاق با:

الگوی رایج زندگی در شبکه تعاملات فرد (واترز و رسلر<sup>۱</sup>، ۱۹۹۸؛ بلوس فلد و هوم<sup>۲</sup>، ۲۰۰۰)؛ مصرف مشروبات الکلی (فیگلی<sup>۳</sup>، ۱۹۸۹؛ لاکی<sup>۴</sup>، ۱۹۹۱؛ استاک و بنکوسکی<sup>۵</sup>، ۱۹۹۴؛ آماتو و راجرز<sup>۶</sup>، ۱۹۹۷؛ کیز<sup>۷</sup> و دیگران، ۱۹۹۹)؛ زندگی در کشورهای مختلف یا حتی نواحی مختلف در یک کشور (کالمیجن و یونک<sup>۸</sup>، ۲۰۰۶)؛ رابطه جنسی نامشروع توسط یکی از زوجین (لاکی، ۱۹۹۱؛ سوث و لیود<sup>۹</sup>، ۱۹۹۵؛ آماتو و راجرز، ۱۹۹۷)؛ تعداد ساعات کاری زنان بیرون از خانه و میل آنان به استقلال اقتصادی (ادوارد و فولر<sup>۱۰</sup>، ۱۹۹۲؛ داگلاس<sup>۱۱</sup>، ۲۰۰۲؛ گرین استین و دیویس<sup>۱۲</sup>، ۲۰۰۶)؛ مشکلات مالی و اقتصادی (فربر و ساندر<sup>۱۳</sup>، ۱۹۸۹؛ شوئن و همکاران، ۲۰۰۲، به نقل از حسینی، ۱۳۸۶: ۱۲)؛ طلاق والدین و پایین بودن سن ازدواج (آماتو و راجرز، ۱۹۹۷)؛ وجود برادران و خواهران طلاق گرفته در بین اعضای خانواده (فارل<sup>۱۴</sup>، ۲۰۰۶) می‌باشد.

با بررسی تحقیقات انجام شده در داخل کشور به این نتیجه می‌رسیم که همه این تحقیقات به بررسی علل مؤثر در وقوع طلاق پرداخته‌اند و به خوبی به علل وقوع طلاق توجه نموده‌اند. تحقیقات پیشین همه حوزه‌های روان‌شناسی، اقتصادی، اجتماعی طلاق را

- 1- Waters & Ressler
- 2- Blossfeld B. & Hom E
- 3- Figley
- 4- Lucky
- 5- Stak, Steven & Elena Bandowski
- 6- Amato, Paul R. & Stacy J. Rogers
- 7- Caces-MF
- 8- Kalmjin, M. & Uunk, W
- 9- South, S. & Liloyd, K.M
- 10- Edward, J. & Fuller, S.S
- 11- Douglass, W. Allen
- 12- Greenstein, Theodore, N. & Shannon, Davis
- 13- Ferber, M.A., & Sander, W
- 14- Farrell, Michael

مد نظر داشته‌اند اما در پژوهش حاضر سعی شده است تا به بررسی عوامل اجتماعی پرداخته شود. علاوه بر این در این پژوهش پس از محاسبه میزان گرایش به طلاق، میزان تأثیری که عوامل اجتماعی مورد نظر در گرایش زوجین به طلاق سهمیم هستند پرداخته شود. کاری که در تحقیقات دیگر کمتر به چشم می‌خورد.

تحقیقاتی که در رابطه با عوامل مؤثر در وقوع طلاق، در خارج از کشور انجام شده‌اند نیز به خوبی به این عوامل و میزان تأثیر آنها اشاره می‌کنند. اما باید توجه داشت که این تحقیقات در فضای فرهنگی متفاوت از فرهنگ کشور ما انجام شده‌اند و این عوامل را در آن فضای مخصوص به فرهنگ خود مورد بررسی قرار داده‌اند. بعنوان نمونه زندگی همبستری یا استفاده‌ی زیاد از الکل یا همان پدیده‌ی الکلیسم مخصوص کشورهای غربی است و در کشور ما جایگاهی ندارند و نمی‌توانند با آن شدت اثری که در خارج از کشور عمل می‌کنند، در ایران نیز همان مقدار مؤثر باشند. لذا در تحقیق حاضر با توجه به فرهنگ ایرانی سعی شده است تا عوامل اجتماعی که در کشورمان باعث گرایش زوجین به طلاق می‌شوند را شناسایی و میزان اثر هر کدام را مشخص کنیم.

## مبانی نظری

طلاق از جمله پدیده‌های اجتماعی است که از دیدگاه نظری واحدی قابل بررسی و تبیین نیست. لذا، به منظور بررسی عوامل مؤثر بر میزان گرایش به طلاق، در این تحقیق از تلفیق پنج دیدگاه نظری، یعنی؛ نظریه‌های همسان همسری، مبادله، شبکه، تصورات اجتماعی و قشربندی اجتماعی برای تعیین منزلت اجتماعی استفاده شده است.

### • نظریه همسان همسری<sup>۱</sup>

همسانی میان دو فرد، نه تنها آنان را به سوی یکدیگر جذب می‌کند بلکه پیوند و وصلت ایشان را استوار می‌سازد. به سخن دیگر، ناهمسانی میان دو همسر سرچشمه کشمکش‌های خانوادگی است. به عقیده هیل<sup>۲</sup>، افراد مایلند همسری برگزینند که بیشتر همسانشان باشد تا

1- Homogamy theory

2- Hill

## Archive of SID

ناهمسانشان و چنانچه این قاعده به دلایلی رعایت نگردد، احتمالاً زوجین دچار ناسازگاری و در نهایت جدایی می‌شوند. باورمن<sup>۱</sup> می‌گوید؛ انسان دانسته یا ندانسته در پی گزینش همسری است که صفاتی همگون با او داشته باشد. افراد، در تمامی سنین در میدانی فراخ‌تر از آن که تصادف بتواند بر آن کارگر باشد، با کسانی وصلت می‌کنند که از نظر موقعیت زناشویی همانند خودشان باشد. به گمان لاک و برگس<sup>۲</sup> بخت هر فرد بیشتر در راستای ازدواجی همسان‌گزینانه عمل می‌کند تا ناهمسان‌گزین. وود<sup>۳</sup> در اثرش، ازدواج از دیدگاه مذهبی، می‌گوید؛ هر قدر همگونی میان دو همسر از نظر مذهب و نژاد کمتر باشد، اختلاف و کشمکش ایشان بیشتر است. شنگ و یامورا<sup>۴</sup> بر این باورند که هر قدر پیوندهای قومی و فرهنگی میان زن و شوهر محکم‌تر باشد، خطر جدایی به مراتب در میان ایشان کم‌تر است. به طور کلی، هر قدر درجه همگونی همسران بیشتر باشد، زناشویی آنان استوارتر و پایدارتر است (ساروخانی، ۱۳۸۵: ۶۶-۴۰). در مجموع، می‌توان گفت که تقریباً تمامی نظام‌های همسرگزینی، متمایل به ازدواج همسان هستند که این خود می‌تواند نتیجه تمایل به معامله‌گری و مبادله ارزش‌های معنوی و دارایی‌های مادی باشد. نظریه همسان‌همسری، استحکام خانواده را ناشی از وجود ویژگی‌های همسان میان زن و شوهر می‌داند.

### • نظریه مبادله<sup>۵</sup>

انسان‌ها همواره در زندگی خود با دیگران در ارتباط متقابل هستند و سعی می‌کنند که در این ارتباط، برای خود نفعی به دست آورند. هر گونه ارتباط با دیگران در حکم نوعی مبادله است. نظریه مبادله، سعی دارد نشان دهد که رفتار بر حسب پاداش‌هایی که دریافت کرده و هزینه‌هایی که به همراه می‌آورد، تغییر می‌کند. رفتارهای مورد نظر در این‌جا، رفتارهایی هستند که بین دو شخص تعامل ایجاد می‌کنند، یعنی رفتارهایی که در آن‌ها بین دو شخص تبادل وجود دارد و هر دو نفر پاداش‌ها و هزینه‌های ناشی از تبادل را محاسبه می‌کنند. طبق اصل عدالت، تعامل زمانی حفظ می‌شود که رابطه پاداش‌ها و

1- Bowerman

2- Lock & Burgess

3- Wood

4- Cheny & Yamamura

5- Exchange Theory

هزینه‌های طرفین، برابر باشد. در واقع، فرد آنچه را که برای یک رابطه هزینه می‌کند و آنچه را که از آن به‌دست می‌آورد، با یکدیگر مقایسه می‌کند؛ سپس نتیجه را با آنچه از نظر او طرف مقابل به‌دست می‌آورد، مقایسه می‌کند. اگر احساس نابرابری کند، احتمالاً این رابطه با خطر مواجه خواهد شد. برای تبیین روابط بین زن و شوهرها و نیز روابط بین گروه‌هایی که باید برای رسیدن به توافق مذاکره کنند، از دیدگاه مبادله اجتماعی استفاده می‌شود (بدار و دیگران، ۱۳۸۱: ۲۶). بدین ترتیب از دیدگاه این نظریه، روابط بین زن و شوهر هم یک نوع مبادله محسوب می‌شود که از ابتدای زندگی شروع می‌شود. اگر حقوق متقابل آنان را به عنوان پاداش و هزینه تلقی کنیم، زندگی آن‌ها بر مدار مبادله متقابل جریان می‌یابد. از طرف دیگر، عدم برابری هزینه و پاداش برای زوجین، منجر به احساس بی‌عدالتی و نابرابری در مبادله می‌گردد و در نهایت، منجر به گسست روابط متقابل زوجین می‌شود. برای مثال، زمانی که هر یک از زوجین هزینه‌های یک رابطه را بیشتر از منافع آن ارزیابی کنند، این نظریه پیش‌بینی می‌کند که این شخص به رابطه مذکور خاتمه خواهد داد. در واقع، پنداشت فرد از سود یا زیانی که در زندگی زناشویی خود به‌دست می‌آورد، اهمیت پیدا می‌کند (جلیلیان، ۱۳۷۸: ۴۵-۴۴). بدین ترتیب، هرچه پاداش‌هایی که یکی از زوجین از زوج دیگر دریافت می‌کند، از پاداش‌هایی که پرداخت می‌کند کمتر باشد (به‌طور واقعی یا خیالی)، و یا هزینه‌های پرداختی یکی از زوجین به زوج دیگر، یا حتی کل خانواده بیشتر از حد واقعی یا مورد انتظار باشد، حالت زیان‌دیدگی به فرد دست می‌دهد. در این وضعیت، او خود را در مقام یک فرد زیان‌دیده می‌بیند که پایان دادن به رابطه زناشویی، به عنوان یکی از راه‌حل‌های اساسی برای دستیابی به پاداش یا حداقل فرار از پرداخت هزینه‌های بیشتر، برایش ارزشمند می‌گردد.

بنابراین در جامعه‌ای که کانون زناشویی سود اندکی را برای فرد به همراه می‌آورد، به‌ویژه وقتی فرد می‌تواند نیازهای خود را با هزینه‌ی کمتری از طرق دیگر به‌دست آورد، نگرش نسبت به طلاق مساعدتر می‌گردد. جامعه‌ای که کانون خانواده را صرفاً ابزاری برای ارضای غرایز و عواطف جنسی می‌داند، و از طرف دیگر راه را برای ارضای این نیازها از طرق دیگر و با هزینه‌ی کمتر باز می‌گذارد، باید منتظر نگرش سهل‌گیرانه‌تر افراد آن جامعه به طلاق و به تبع آن، افزایش روز افزون آمار طلاق باشد.

• نظریه شبکه<sup>۱</sup>

این نظریه، هر نظریه غیرساختاری را که فرایندهای اجتماعی را ناشی از جمعی از کنشگران فردی، گرایش‌های شخصی و هنجارهای درونی شده می‌داند، رد می‌کند. یکی از چهره‌های مشهور نظریه شبکه، الیزابت بات، درجه تفکیک نقش‌های زن و شوهر را با میزان تراکم شبکه‌ای که زوجین، بیرون از خانه برای خود حفظ می‌کنند، همبسته می‌داند. هرچه ارتباط ایشان با شبکه‌های خویشاوندان، دوستان و همسایگان نزدیک‌تر و هرچه این شبکه‌ها متراکم‌تر باشند، رابطه زن و شوهر به عنوان زوج زناشویی تفکیک شده‌تر بوده و بیشتر تابع سلسله مراتب است. عکس قضیه نیز صادق است، هرچه شبکه‌ها پراکنده‌تر باشند، نقش‌های مردانه و زنانه نشانگر جدایی و تفکیک هستند. وی این نکته را در قالب فشارهای فرهنگی تبیین می‌کند (سگالز، ۱۳۷۰: ۲۵۵-۲۵۴). اگر زن و شوهر، هر دو به شبکه‌ای متراکم تعلق داشته باشند و این شبکه‌ها حفظ شوند، ازدواج صرفاً به همین روابط موجود تحمیل می‌گردد، به نحوی که زوجین فقط به سوی فعالیت‌هایی که شبکه، مجاز می‌داند کشانده می‌شوند. در این حالت، تفکیک خشک و انعطاف‌ناپذیر نقش‌ها امکان‌پذیر می‌گردد، زیرا زوجین هر دو قادر به کسب حمایت از خارج از حیطه خانواده خواهند شد. بنابراین، نظریه شبکه بر روابط زوجین و شبکه خویشاوندی تأکید دارد و بیان می‌کند که هر چه روابط بین شبکه کمتر و سست‌تر باشد، زوجین وظایف خود را بهتر انجام می‌دهند. پس اگر شبکه قوی باشد، زوجین خود نمی‌توانند تصمیمات لازم را اتخاذ کنند، چرا که باید بر اساس شرایط و روابط شبکه عمل کنند و دخالت دیگران را در زندگی خود قبول کنند. این مسئله، می‌تواند زمینه بروز اختلافات در خانواده را به وجود آورد و در نتیجه دخالت دیگران، خانواده دچار انحلال شود (ملفت، ۱۳۸۱: ۳۴-۳۳). امکان دخالت افراد در زندگی زناشویی، گویای نفوذ افراد مسن‌تر همخون و تسلط شبکه روابط نسبی است (پیران، ۱۳۶۹: ۴۱).

• نظریه‌ی منزلت اجتماعی<sup>۲</sup> (قشربندی اجتماعی)

ژان ژاک روسو یکی از پیش‌قراولان تفکر جامعه‌شناسی معتقد است که، میان انسان‌ها

1- Network Theory

2- Social status Theory

دو گونه نابرابری وجود دارد: نابرابری‌های جسمی که از طبیعت مایه می‌گیرند و تفاوت در سن، سلامت، نیروی بدنی و کیفیت ذهنی یا روحی را شامل می‌شود و دیگری، که می‌توان آن را نابرابری اخلاقی و سیاسی نامید و مبتنی بر نوعی قرارداد است که در نتیجه توافق و تراضی انسان‌ها ایجاد و یا دست کم مجاز می‌شود و شامل امتیازهای متفاوتی است که برخی افراد از آن بهره می‌برند. بنابراین هر جامعه‌ای از تعدادی سلسله مراتب عمودی ساخته شده است که مبنای هر یک از آن‌ها مبتنی بر ارزش‌های خاصی است. کسانی که در رده بالای این سلسله مراتب قرار دارند دارای منزلت اجتماعی بیشتر از کسانی هستند که در پایین سلسله مراتب قرار گرفته‌اند (محسنی، ۱۳۶۶: ۵۴۸). جامعه‌شناسان تاکنون دریافته‌اند که تقریباً هر جنبه‌ای از زندگی ما انسان‌ها از جمله بهره‌مندی، موفقیت تحصیلی، بعد خانوار، معیارهای تغذیه، عقاید سیاسی، بیماری‌هایی که از آن رنج می‌بریم و حتی نوع عادت‌های ما در روابط جنسی، با پایگاه ما در سلسله مراتب اجتماعیمان مرتبط است (رابرتسون، ۱۳۷۲: ۲۰۴).

بر اساس این نظریه، افراد با منزلت اجتماعی متفاوت، انتظارات متفاوتی از رفتار دیگران دارند. همچنین خانواده‌ها با منزلت‌های متفاوت اجتماعی، به دلیل نابرابری‌های اقتصادی - اجتماعی، توان هم‌نوابی و سازگاری با تغییرات و دگرگونی سریع را نداشته و دچار بی‌هنجاری‌های اجتماعی می‌شوند (روشه، ۱۳۷۲). در چنین شرایطی ناسازگاری‌های زناشویی شکل گرفته و طلاق رخ می‌دهد. علاوه بر این عواملی که موجب از هم پاشیده شدن خانواده‌ها می‌شود، با تغییر پایگاه‌های اجتماعی تغییر می‌یابد، زیرا هر طبقه و پایگاهی دارای منزلتی خاص و از نظر قدرت، و شیوه زندگی شرایط خاص خودش را دارد (توسلی، ۱۳۷۱). بنابراین منزلت اجتماعی با تحت تأثیر قرار دادن جنبه‌های مختلف زندگی، بر پدیده طلاق نیز تأثیر می‌گذراند.

### • نظریه تصورات اجتماعی

امیل دورکیم، نخستین کسی بود که در مقاله‌ای با عنوان «تصورات فردی و تصورات جمعی» در سال ۱۸۹۸ واژه تصورات اجتماعی را عنوان کرد. وی همان‌گونه که تفکرات فردی را از تفکرات جمعی متمایز می‌کند، معتقد است که تصورات فردی باید به

## Archive of SID

عنوان مقوله‌ای روانی در نظر گرفته شود (هرزلیچ<sup>۱</sup>، ۱۹۷۰). ولی سرژ موسکوویچی، روان‌شناس اجتماعی فرانسوی، واژه تصورات را تئوریزه و آن را وارد علوم اجتماعی کرد (موسکوویچی<sup>۲</sup>، ۱۹۸۹). انسان در دنیایی که زندگی می‌کند با اشیا، قوانین، آیین‌ها، اصول، افراد و ... تماس و برخورد دارد. این برخوردها، برداشت‌هایی را برایش به همراه می‌آورد و غالباً از چیزهای پیرامونش برداشت‌هایی یکسان (از نظر کمیت و کیفیت) ندارد. تصور برآمده از این چیزها، از شخصی به شخص دیگر و حتی در یک شخص، از زمانی به زمان دیگر فرق می‌کند. عوامل تغییر، گوناگون است. این عوامل، فردی، اجتماعی، اقتصادی، فرهنگی و در بعضی مواقع نهادی است. چیزی که انسان برداشت می‌کند، نه یک تصویر ساده، که یک تصور است. زیرا تصویر، بیشتر یک برداشت سریع خودبه‌خودی و تأثیری است؛ در حالی که تصور، فرم و حالتی معنادار است که یک فاعل با توجه به ویژگی‌های روانی و فرهنگی خود از چیزی می‌سازد (مولو<sup>۳</sup>، ۱۹۷۴). به گفته آلن تورن، چیزی که ما می‌بینیم، نه یک موضوع، که نگاه به یک موضوع است (تورن<sup>۴</sup>، ۲۰۰۰). یعنی ممکن است که با واقعیت موضوع تطابق نداشته و بخشی از موضوع باشد، چون آن نگاه و برداشت، تصور است. از آنجا که فاعل‌ها یکسان نیست، یعنی افکار و فرهنگ انسان‌ها یکسان نیست، و به عبارتی، سرمایه‌های فرهنگی انسان‌ها همانند نیست، پس تصور چیزی خاص، از فردی به فرد دیگر فرق می‌کند. به همین ترتیب، قاعدتاً تصور یک چیز، از یک طبقه به طبقه دیگر فرق می‌کند.

دنيس جودله<sup>۵</sup> (۱۹۸۹) در رابطه با تصور می‌گوید: «تصور مانند یک شکل دانستنی قابل اجرا می‌باشد که فاعل را به موضوعی می‌پیوندد». این پیوند، توسط کنش صورت می‌گیرد. کنش نیز عمل کرد نقش انسان در جامعه است. پس تصور اجتماعی می‌تواند وسیله‌ای باشد که توسط آن کنش انسان را هدایت کرده، موقعیت او را در جامعه و در نتیجه، عکس‌العمل انسان در رابطه با مسائلی که در جامعه با آن‌ها روبرو می‌شود

- 1- Herzlich
- 2- Moscovici
- 3- Mollo
- 4- Tourraine
- 5- Jodellot





را مشخص می‌کند (دویس و پالموناری<sup>۱</sup>، ۱۹۸۶). زمانی که ما با محیط اطراف خود ارتباطاتی برقرار کردیم، به دنبال آن، ارتباطات تصورات اجتماعی را می‌سازد و سپس، تصورات اجتماعی، روابط بین انسان‌ها را هدایت می‌کند. در واقع، هر تصویری، رفتاری را در پی خواهد داشت. این است که تصورات، چگونگی ارتباطات ما را نیز کنترل و هدایت می‌کند. به همین ترتیب تصوراتی که انسان‌ها از پیامدهای طلاق دارند نیز با یکدیگر متفاوت است. پیامدهای طلاق از نظر برخی بسیار ناگوار و از نظر برخی دیگر چندان هم ناگوار نیست. و این تصور گرایش هر فرد را به طلاق، متفاوت از دیگری تعیین می‌کند.

### فرضیات تحقیق

- ۱- هر اندازه دخالت بی‌جای اطرافیان در زندگی زوجین بیشتر باشد، میزان گرایش به طلاق افزایش می‌یابد.
- ۲- هر اندازه رضایت زندگی زناشویی کمتر باشد، میزان گرایش به طلاق افزایش می‌یابد.
- ۳- هر اندازه تفاوت منزلت اجتماعی زوجین بیشتر باشد، میزان گرایش به طلاق افزایش می‌یابد.
- ۴- هر اندازه تصور مثبت از پیامدهای طلاق بیشتر باشد، میزان گرایش به طلاق افزایش می‌یابد.
- ۵- به نظر می‌رسد در استان اصفهان، مهم‌ترین عامل مؤثر در گرایش زوجین به طلاق، دخالت بی‌جای دیگران در زندگی آنان باشد.

### روش تحقیق

روش تحقیق مورد استفاده در این پژوهش، روش پیمایش می‌باشد. روش پیمایش جمع‌آوری اطلاعات است که با طرح و نقشه به عنوان راهنمای عملی توصیف یا پیش‌بینی یا به منظور تجزیه و تحلیل روابط برخی متغیرها صورت می‌پذیرد (اپنهایم، ۱۳۷۵: ۶۸).

پیمایش فراهم کننده اطلاعات کمی درباره دنیای اجتماعی می‌باشد و ویژگی‌های افراد و دنیای اجتماعی را توصیف می‌کند، امروزه تحقیق پیمایش شاید متداول‌ترین روش در علوم اجتماعی باشد.

## جامعه و نمونه آماری

جامعه آماری زوجینی هستند که در ۹ ماه از ابتدای سال ۱۳۸۹ به مراکز کاهش طلاق در سطح استان اصفهان مراجعه کرده و پرونده‌های آنان هنوز منجر به مصالحه نشده است. بر اساس آمار موجود ۴۰۱۲ نفر در این مدت به مراکز کاهش طلاق مراجعه کرده‌اند و از این تعداد، ۱۷۵۰ نفر به زندگی زناشویی سابق برگشته و ۲۲۶۲ نفر طلاق گرفته‌اند یا اینکه پرونده آنان در حال بررسی است و هنوز به مصالحه یا طلاق منجر نشده است و این آمار مبنای نمونه‌گیری قرار گرفت. با استفاده از فرمول کوکران، تعداد ۳۳۰ نفر به عنوان جمعیت نمونه در نظر گرفته شد و از طریق نمونه‌گیری سهمیه‌ای این تعداد مشخص شدند و سپس با مراجعه به آزمودنی‌های قابل دسترسی به تکمیل پرسشنامه‌ها اقدام شد و سعی کردیم از این طریق میزان تأثیر عوامل اجتماعی مشخص شده بر میزان گرایش زوجین به طلاق را بررسی کنیم.

## ابزار اندازه‌گیری

جهت گردآوری داده‌ها، پرسشنامه همراه با مصاحبه به کار گرفته شده است. این پرسشنامه در مجموع شامل ۴۱ سؤال است که در دو بخش ویژگی‌های اجتماعی - جمعیتی (شامل سن، جنس، نوع شغل، میزان درآمد، تعداد فرزندان، تعداد خانوار پدری و ...) و متغیرهای مستقل و وابسته تحقیق شامل (۵ مقیاس برای سنجش میزان گرایش به طلاق، دخالت بی‌جای اطرافیان، میزان رضایت زندگی زناشویی، تفاوت منزلت اجتماعی زوجین (تفاوت عقاید) و تصور مثبت از پیامدهای طلاق) طراحی گردیده است. برای سنجش اعتبار پرسشنامه و مقیاس‌های به کار رفته در آن، از روش اعتبار صوری و جهت اندازه‌گیری پایایی، از ضریب آلفای کرونباخ استفاده شده است که برای کل پرسشنامه ۰/۷۱۲ برآورد



## متغیرهای مستقل و وابسته

متغیر وابسته این تحقیق؛ «میزان گرایش به طلاق» است. این پژوهش، به دنبال بررسی میزان نوسانات این متغیر بر حسب متغیرهای مستقل، یعنی؛ میزان دخالت بی‌جای دیگران در زندگی زوجین، میزان رضایت زندگی زناشویی، میزان تفاوت در منزلت اجتماعی زوجین و میزان تصور مثبت از پیامدهای طلاق بوده است. متغیر میزان دخالت بی‌جای دیگران در زندگی زوجین از نظریه شبکه، متغیر میزان رضایت زندگی زناشویی از نظریه مبادله، متغیر میزان تفاوت در منزلت اجتماعی از تلفیق دو نظریه قشربندی اجتماعی و همسان همسری و متغیر میزان تصورات مثبت از پیامدهای طلاق از تلفیق نظریه تصورات اجتماعی و مبادله مشتق شده‌اند (جدول شماره ۳).

جدول شماره ۳: مبانی نظری متغیرهای مستقل تحقیق

متغیر مستقل	مبنای نظری
میزان دخالت بی‌جای دیگران در زندگی زوجین	شبکه
میزان رضایت زندگی زناشویی	مبادله
میزان تفاوت در منزلت اجتماعی زوجین	قشربندی اجتماعی + همسان همسری
میزان تصور مثبت از پیامدهای طلاق	تصورات اجتماعی + مبادله

## تعاریف نظری و عملیاتی مفاهیم

### میزان گرایش به طلاق

الف) تعریف مفهومی: میزان گرایش به طلاق، میزان تمایل و علاقه زوجین به جدا شدن از یکدیگر و گسستن پیوند زناشویی طی مراحل قانونی است که نشان‌دهنده شدت تمایل زوجین برای جدا شدن از یکدیگر می‌باشد (بهرامی کااوند، ۱۳۸۶: ۱۲۲).

ب) تعریف عملیاتی: منظور از میزان گرایش به طلاق، نمره‌ای است که فرد در پرسشنامه تهیه شده به همین منظور به خود اختصاص می‌دهد. برای کمی کردن این متغیر و تبدیل آن به یک مقیاس فاصله‌ای، پرسشنامه‌ای دارای سه بعد شناختی، عاطفی و رفتاری تهیه شده است که برای سنجش این متغیر، از یک مقیاس ۱۵ گویه‌ای (طرح ۵ گویه مستقل برای هر یک از ابعاد سه‌گانه مذکور) استفاده شده است. بعد شناختی دارای دو مؤلفه می‌باشد: آگاهی از رشد میزان طلاق و شناخت آثار و پیامدهای طلاق، به عنوان مثال «طلاق

## Archive of SID

مزایای زندگی مشترک را از بین می‌برد». بعد عاطفی نیز دارای دو مؤلفه ارزشیابی مثبت و ارزشیابی منفی می‌باشد، به عنوان نمونه: «طلاق گرفتن مشکلات روحی زیادی را به بار می‌آورد.» و در نهایت بعد رفتاری دارای مؤلفه‌های محرومیت مالی، مشکلات رسیدن به طلاق، محرومیت‌های حقوقی و محرومیت اجتماعی می‌باشد، به عنوان مثال: «حاضرم طلاق بگیرم، حتی اگر هیچ‌گاه نتوانم مجدداً ازدواج کنم». در این پرسشنامه از طیف لیکرت استفاده شده است و از پاسخگویان خواسته شده تا میزان موافقت یا مخالفت خود را با گویه‌های ۱۵ گانه مشخص نمایند (کاملاً موافق = ۴، تقریباً موافق = ۳، نه موافق و نه مخالف = ۲، تقریباً مخالف = ۱، کاملاً مخالف = ۰). دامنه احتمالی پاسخ‌های هر پاسخگو می‌تواند از صفر تا ۶۰ در نوسان باشد.

## متغیرهای مستقل

### • دخالت بی‌جای دیگران در زندگی زوجین

الف) تعریف مفهومی: دخالت بی‌جای دیگران، میزان تأثیرگذاری منفی اشخاص مختلف (دیگران مهم) در زندگی زن و شوهر است؛ به نحوی که روند ثابت و سالم زندگی زوجین را دچار اختلال و بحران نموده و احتمال اختلاف یا جدایی آن‌ها را افزایش دهد (بهرامی کا کاوند، ۱۳۸۶: ۱۲۳).

ب) تعریف عملیاتی: منظور از مفهوم میزان دخالت بی‌جای اطرافیان، نمره‌ای است که هر فرد از پرسشنامه طراحی شده به همین منظور، کسب می‌کند. برای کمی کردن این متغیر و تبدیل آن به یک مقیاس فاصله‌ای، پرسشنامه‌ای ۱۰ گویه‌ای، در سه بعد مختلف طراحی شده است: بعد تأییدی - شناختی مستقیم (با مؤلفه‌ی ارزش‌گذاری، حاوی ۲ گویه به عنوان مثال «اینکه پدر و مادر شما راضی به طلاقتان باشند، در گرایش شما به طلاق، تأثیرگذار هست»)، بعد تخریبی (با سه مؤلفه رک‌گویی، تصویرسازی و افشاگری، دارای ۳ گویه به عنوان نمونه «اینکه اقوام اعمال همسران را بد بدانند، در گرایش شما به طلاق، تأثیرگذار هست (تصویرسازی)» و بعد تأییدی - شناختی غیرمستقیم (با مؤلفه تصویرسازی واقعی یا غیر واقعی از زندگی، شامل ۵ گویه، به عنوان مثال «اینکه نزدیکان شما از اخلاق خوب همسرشان نزد شما صحبت می‌کنند، در گرایش شما به طلاق، تأثیرگذار هست»)

می‌باشد. ابعاد اول و دوم میزان دخالت مستقیم دیگران را می‌سنجد و بعد سوم میزان دخالت غیرمستقیم اطرافیان را محاسبه می‌کند. این پرسشنامه نیز بر اساس طیف لیکرت طراحی شده است و دامنه احتمالی پاسخ‌های هر پاسخگو می‌تواند از صفر (کاملاً مخالف با تمام گویه‌ها) تا ۴۰ (کاملاً موافق با تمام گویه‌ها) در نوسان باشد. بنابراین کسی که با همه گویه‌ها کاملاً موافق باشد به بیشترین تأثیر پذیری از دخالت بی‌جای اطرافیان دچار بوده است.

### • رضایت زندگی زناشویی

الف) تعریف مفهومی: رضایت زندگی زناشویی احساسات عینی از خشنودی، رضایت و لذت تجربه شده توسط زن یا شوهر است، هنگامی که همه جنبه‌های ازدواجشان را در نظر می‌گیرند. رضایت یک متغیر نگرشی است و بنابراین خصوصیت فردی زن و شوهر محسوب می‌شود (الیزا، ۱۹۸۹؛ به نقل از صادقی، ۱۳۸۰: ۱۶).

ب) تعریف عملیاتی: منظور از میزان رضایت زندگی زناشویی، نمره‌ای است که هریک از آزمودنی‌ها از پرسشنامه‌ای که به منظور سنجش این متغیر تهیه شده است، کسب می‌کنند. بدین وسیله این متغیر به یک مقیاس فاصله‌ای تبدیل شده است. پرسشنامه مربوطه دارای چهار بعد ارتباطی، عاطفی تربیتی، مادی و اخلاقی منزلتی می‌باشد و ۱۵ گویه دارد. برای محاسبه بعد ارتباطی این متغیر، ۵ گویه در نظر گرفته شده است و برای سنجش بعد عاطفی تربیتی، ۴ گویه طراحی شده است. همچنین ابعاد مادی و اخلاقی منزلتی هر کدام دارای ۳ گویه می‌باشند. بعد ارتباطی این پرسشنامه دارای مؤلفه‌های گسترش بهنجار رابطه (۲ گویه)، محدودیت روابط (۲ گویه) و گسترش نابهنجار روابط (۱ گویه) می‌باشد. بعد عاطفی این پرسشنامه از مؤلفه‌های سازگاری عاطفی و تخریبی هر کدام با ۲ گویه تشکیل شده است. بعد مادی پرسشنامه رضایت زندگی زناشویی با مؤلفه‌های عملکرد مثبت (۲ گویه) و عملکرد منفی (۱ گویه) سعی در بررسی آراستگی ظاهری، رضایت از امور اقتصادی و محدودیت مالی دارد و در نهایت بعد اخلاقی منزلتی از مؤلفه رضایتمندی که خود دارای دو شاخص احترام به والدین و احترام به دوستان (۲ گویه) می‌باشد و

## Archive of SID

مؤلفه عدم رضایت با شاخص اخلاق و شخصیت (۱ گویه)، تشکیل شده است. بعد ارتباطی این پرسشنامه دارای مؤلفه‌های گسترش بهنجار رابطه (۲ گویه)، محدودیت روابط (۲ گویه) و گسترش نابهنجار روابط (۱ گویه) می‌باشد. بعد عاطفی این پرسشنامه از مؤلفه‌های سازگاری عاطفی و تخریبی هر کدام با ۲ گویه تشکیل شده است.

### • منزلت اجتماعی

الف) تعریف مفهومی: منزلت اجتماعی یک ارزیابی است که بر پایه‌های معیارهای ارزش اجتماعی معتبر در جامعه از موقعیت یک شخص در ذهن دیگران به عمل می‌آید و نشان می‌دهد که موقعیت یک شخص نسبت به اشخاص دیگر در «فضای اجتماعی» کجاست (نیک گهر، ۱۳۶۹: ۲۰۰).

ب) تعریف عملیاتی: از آنجا که این مفهوم بسیار گسترده می‌باشد، برای عملیاتی کردن این مفهوم و تبدیل آن به مقیاسی فاصله‌ای، سؤالاتی طراحی شده است که برخی از جنبه‌های منزلت اجتماعی را که اختلاف در آن‌ها موجب گرایش به طلاق خواهد شد، محاسبه می‌کند. مانند تفاوت در سطح تحصیلات، شغل، درآمد، سلیقه، علایق و باورها. برای اطلاع از این ویژگی‌ها از سؤالات مجزا و گویه‌هایی به صورت طیف لیکرت استفاده کرده‌ایم. در رابطه با سطح تحصیلات، با تقسیم بندی این متغیر به سطوح هفت گانه، به بررسی وضعیت آزمودنی‌ها از این منظر پرداخته‌ایم. از آنجا که حداکثر تفاوت سطوح تحصیلاتی، ۴ سطح بوده است، بیشترین تفاوت نمره ۴ و کمترین تفاوت (همسانی سطوح) نمره صفر را به خود اختصاص داده‌اند. در این میان سه سطح تفاوت ۳، دو سطح تفاوت، ۲ و یک سطح تفاوت، نمره ۱ را دریافت کرده‌اند. در رابطه با شباهت‌های دین، مذهب، قومیت و محل تولد، برای شباهت، نمره ۰ و برای تفاوت، نمره ۴ را در نظر گرفته‌ایم و همچنین در رابطه با متغیرهای دیگری مانند تفاوت سطح درآمد شخص، تفاوت سطح درآمد والدین، شهری بودن یا روستایی بودن محل سکونت والدین، وجود یا عدم وجود سابقه طلاق در زوجین، نوع شغل و تعداد خانوار پدری بر اساس میزان اختلاف بین زوجین، نمره‌ای از ۴ تا ۰ به آزمودنی‌ها اختصاص داده شده است.

برای سنجش تفاوت در سلیقه، عقاید و باورهای زوجین در زمینه‌های مسایل مختلف

زندگی، از یک مقیاس ۱۵ گویه‌ای استفاده شده است. این مقیاس دارای سه بعد می‌باشد؛ بعد رفتاری، بعد اقتصادی و بعد عاطفی تربیتی. برای سنجش هر یک از این ابعاد سه گانه از ۵ گویه مستقل استفاده شده است. بعد رفتاری شامل مؤلفه‌های رفتار با یکدیگر، رفتار با اطرافیان و عمل به مناسک اعتقادی می‌باشد. به عنوان مثال: «من و همسرم در مورد مشارکت در وظایف خانه‌داری، با یکدیگر هم عقیده ایم». بعد اقتصادی شامل مؤلفه‌های هزینه، پس انداز و درآمد می‌باشد. به عنوان مثال: «من و همسرم در مورد خرید وسائل مورد نیاز منزل، با یکدیگر هم عقیده ایم» و بعد عاطفی - تربیتی متشکل از مؤلفه‌های توجه عاطفی به یکدیگر، توجه عاطفی و تربیتی به فرزندان، اعتقادات مذهبی می‌باشد. به عنوان نمونه یکی از گویه‌های مربوط به این بعد «من و همسرم در مورد نحوه و میزان روابط جنسی، با یکدیگر هم عقیده ایم» می‌باشد. در طراحی این پرسشنامه نیز از طیف لیکرت استفاده شده است و از آزمودنی‌ها خواسته شده است تا میزان موافقت یا مخالفت خود را با هر کدام از گویه‌ها مشخص نمایند (کاملاً موافق = ۰، تقریباً موافق = ۱، نه موافق و نه مخالف = ۲، تقریباً مخالف = ۳، کاملاً مخالف = ۴). دامنه احتمالی پاسخ‌های هر پاسخگو می‌تواند از صفر (کاملاً موافق با تمام گویه‌ها) تا ۶۰ (کاملاً مخالف با تمام گویه‌ها) در نوسان باشد. نمره کامل نشان‌دهنده بیشترین میزان تفاوت عقاید زوجین است.

### • تصور مثبت از پیامدهای طلاق

الف) تعریف مفهومی: تصور مثبت از پیامدهای طلاق، تصور مثبتی است که فرد راجع به بروز احتمالی مشکلات و دشواری‌های زندگی پس از وقوع طلاق در ذهن خود دارد (بهرامی کاوند، ۱۳۸۶: ۱۲۳). به عبارت واضح‌تر، شخص تصور می‌کند در صورت وقوع طلاق، از چه سختی‌ها و مشکلاتی که در زندگی مشترک داشته است، رهایی می‌یابد و یا به چه شرایط مساعدتری دست خواهد یافت. در واقع، وی تصور می‌کند که مشکلات احتمالی پس از طلاق به چه میزان ممکن است برایش رخ دهد.

ب) تعریف عملیاتی: مقصود از تصور مثبت از پیامدهای طلاق، نمره‌ای است که فرد در پرسشنامه تهیه شده به همین منظور به خود اختصاص می‌دهد. به منظور سنجش این مفهوم تبدیل آن به یک مقیاس فاصله‌ای، از یک پرسشنامه ۱۲ گویه‌ای استفاده شده است. این

## Archive of SID

مقیاس دارای سه بعد مستقل می‌باشد؛ بعد منزلتی - نظارتی متشکل از ۵ گویه، بعد عاطفی - تربیتی دارای ۴ گویه و بعد اقتصادی با ۳ گویه. بعد منزلتی - نظارتی از مؤلفه‌های حیثیتی، حمایت، پذیرش، محدودیت و فشار تشکیل شده است. به عنوان نمونه یکی از گویه‌های این قسمت «طلاق گرفتن باعث از دست دادن حمایت خانواده پدری می‌شود» می‌باشد. بعد عاطفی - تربیتی شامل مؤلفه‌های آینده شخص، آسیب روحی و لطمه به فرزندان می‌باشد. به عنوان مثال: «طلاق گرفتن آینده فرزندان را به مخاطره می‌اندازد». بعد اقتصادی شامل مؤلفه‌های سرپناه و گذران زندگی می‌باشد. به عنوان مثال: «طلاق گرفتن باعث به وجود آمدن مشکل در تأمین هزینه زندگی می‌شود». در این پرسشنامه نیز از طیف لیکرت استفاده شده است و از پاسخگویان خواسته شده تا میزان موافقت یا مخالفت خود را با گویه‌های ۱۱ گانه (از کاملاً موافق تا کاملاً مخالف)، مشخص نمایند. دامنه احتمالی پاسخ‌های هر پاسخگو می‌تواند از صفر (کاملاً موافق با تمام گویه‌ها) تا ۴۴ (کاملاً مخالف با تمام گویه‌ها) در نوسان باشد. به عبارت دیگر پاسخ‌ها به این طریق ارزش گذاری شده‌اند: (کاملاً موافق = ۰، تقریباً موافق = ۱، نه موافق و نه مخالف = ۲، تقریباً مخالف = ۳، کاملاً مخالف = ۴). بالاترین نمره نشان‌دهنده بیشترین تصور مثبت از پیامدهای طلاق است.

### روش تجزیه و تحلیل داده‌ها

داده‌های تحقیق، در دو سطح توصیفی و تحلیلی با استفاده از بسته اختصاصی علوم اجتماعی (SPSS) نسخه شماره ۱۹ مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفتند. به این منظور با توجه به سطح سنجش متغیرهای مستقل، از آزمون‌های آماری مناسب با آن سطوح استفاده شده است (جدول شماره ۴). و سپس با استفاده از رگرسیون چندگانه سهم اثر هر یک از متغیرهای مستقل، در میزان گرایش به طلاق محاسبه شده است.





جدول شماره ۴: سطح سنجش و آزمون‌های آماری مربوط به هر متغیر

نام متغیر	سطح سنجش	آزمون آماری
میزان دخالت بی‌جای دیگران در زندگی زوجین	فاصله‌ای	همبستگی پیرسون
میزان رضایت زندگی زناشویی	فاصله‌ای	همبستگی پیرسون
میزان تفاوت در منزلت اجتماعی زوجین	فاصله‌ای	همبستگی پیرسون
میزان تصور مثبت از پیامدهای طلاق	فاصله‌ای	همبستگی پیرسون

## یافته‌های تحقیق

### توصیف ویژگی‌های اجتماعی - جمعیتی پاسخگویان

همانگونه که جدول شماره (۵) نشان می‌دهد، کل پاسخگویان تحقیق ۳۳۰ نفر هستند که به طور مساوی از بین مردان و زنان (هر کدام ۱۶۵ نفر) انتخاب شده بودند. اکثر زنان پاسخگو (۵۱/۵ درصد) در گروه سنی ۲۱ تا ۲۵ سال و اکثر مردان پاسخگو در گروه‌های ۲۱ تا ۲۵ و ۲۶ تا ۳۰ سال ازدواج کرده‌اند (هر کدام ۳۸/۲ درصد). اکثر زنان درخواست کننده طلاق (۶۲/۴ درصد) در گروه سنی ۲۱ تا ۳۰ سال و اکثر مردان درخواست کننده طلاق (تقریباً ۴۸ درصد) در گروه سنی ۳۱ تا ۴۰ سال قرار دارند. مدت زمان زندگی مشترک اکثر پاسخگویان (تقریباً ۳۹/۵ درصد) ۶ تا ۱۰ سال بوده است.

کل		مردان		زنان		تعداد و درصد پاسخگویان	
درصد	تعداد	درصد	تعداد	درصد	تعداد	متغیرهای زمینه‌ای	
۱۰۰	۳۳۰	۵۰	۱۶۵	۵۰	۱۶۵	جنسیت	
۲۱/۵	۷۱	۱۰/۹	۱۸	۳۲/۱	۵۳	زیر ۲۰ سال	
۴۴/۸	۱۴۸	۳۸/۲	۶۳	۵۱/۵	۸۵	۲۱ تا ۲۵ سال	
۲۷/۳	۹۰	۳۸/۲	۶۳	۱۶/۴	۲۷	۲۶ تا ۳۰ سال	
۵/۵	۱۸	۱۰/۹	۱۸	۰	۰	۳۱ تا ۳۵ سال	
۰/۹	۳	۱/۸	۳	۰	۰	بالای ۳۶ سال	
۶/۷	۲۲	۰/۶	۱	۱۲/۷	۲۱	زیر ۲۰ سال	
۵۴/۷	۱۸۰	۴۶/۷	۷۷	۶۲/۴	۱۰۳	۲۱ تا ۳۰ سال	
۳۳/۷	۱۱۱	۴۷/۹	۷۹	۱۹/۵	۳۲	۳۱ تا ۴۰ سال	
۳/۴	۱۱	۴/۲	۷	۲/۴	۴	۴۱ تا ۵۰ سال	
۱/۵	۵	۰/۶	۱	۳	۵	بالای ۵۰ سال	
۱۷	۵۶	۱۲/۸	۲۱	۲۱/۲	۳۵	کمتر از ۲ سال	
۳۰/۳	۱۰۰	۳۲/۶	۵۴	۲۷/۹	۴۶	۲ تا ۵ سال	
۳۹/۴	۱۳۰	۳۹/۴	۶۵	۳۹/۴	۶۵	۶ تا ۱۰ سال	
۷	۲۳	۷/۹	۱۳	۶	۱۰	۱۱ تا ۱۵ سال	
۶/۴	۲۱	۷/۳	۱۲	۵/۵	۹	بیشتر از ۱۵ سال	
۸۱/۸	۲۷۰	۸۲/۴	۱۳۶	۸۱/۲	۱۳۴	یکسان	
۱۸/۲	۶۰	۱۷/۶	۲۹	۱۸/۸	۳۱	متفاوت	
۴۰/۹	۱۳۵	۳۲/۱	۵۳	۴۹/۷	۸۲	کمتر از دیپلم	
۱۴/۶	۴۸	۱۶/۳	۲۷	۱۲/۷	۲۱	دیپلم	
۴۴/۵	۱۴۷	۵۱/۶	۸۵	۳۷/۶	۶۲	عالی	
۳۲/۷	۱۰۸	۰	۰	۶۵/۵	۱۰۸	بی کار، خانه‌دار	
۳۴/۵	۱۱۴	۵۳/۹	۸۹	۱۵/۲	۲۵	کارگر ساده، کشاورز	
۲۳/۴	۷۷	۳۴/۵	۵۷	۱۲/۱	۲۰	کارگر ماهر، کارمندان، معلم	
۹/۴	۳۱	۱۱/۶	۱۹	۷/۳	۱۲	مهندس، تکنسین و کارمندان نیمه‌متخصص	
۴۳/۱	۱۳۱	۵	۷	۷۵/۲	۱۲۴	پایین	
۵۱	۱۵۵	۸۳/۵	۱۱۶	۲۳/۶	۳۹	متوسط	
۵/۹	۱۸	۱۱/۵	۱۶	۱/۲	۲	بالا	
۱۶/۷	۵۱	۱۸/۹	۲۷	۱۴/۹	۲۴	کمتر از ۴ نفر	
۲۵	۷۶	۲۲/۴	۳۲	۷/۳	۴۴	۴ تا ۶ نفر	
۳۳/۹	۱۰۳	۳۲/۲	۴۶	۳۵/۴	۵۷	۷ تا ۹ نفر	
۲۱/۴	۶۵	۲۰/۳	۲۹	۲۲/۴	۳۶	۱۰ تا ۱۲ نفر	
۳	۹	۶/۳	۹	۰	۰	بیش از ۱۲ نفر	
۱۰/۴	۳۴	۱۱/۷	۱۹	۹/۱	۱۵	دارد	
۸۹/۶	۲۹۳	۸۸/۳	۱۴۴	۹۰/۹	۱۴۹	ندارد	
۳۷/۹	۱۲۵	۳۵/۸	۵۹	۴۰	۶۶	دارد	
۶۲/۱	۲۰۵	۶۴/۲	۱۰۶	۶۰	۹۹	ندارد	
۳۳	۱۰۹	۲۶/۱	۴۳	۴۰	۶۶	کم	

همچنین با توجه به اطلاعات به دست آمده از آزمودنی‌ها مشخص می‌شود که اکثر آنان (۸۱/۸ درصد) محل تولد مشترکی با همسرانشان داشته‌اند. اکثر زنان مراجعه کننده (۴۹/۷ درصد) تحصیلاتشان در حد کمتر از دیپلم می‌باشد و اکثر مردان مراجعه کننده (۵۱/۶ درصد) در سطح عالی تحصیل کرده‌اند. از نظر نوع شغل، اکثر زنان (۶۵/۵) خانه‌دار هستند و بیشتر مردان (۳۴/۵) دارای مشاغل کارگری هستند. اکثر زنان مراجعه کننده (۷۵/۲ درصد) درآمد پایینی دارند ولی بیش از نیمی از مردان مراجعه کننده (۵۱ درصد) درآمد متوسطی را گزارش داده‌اند. به لحاظ تعداد خانوار پدری، اکثر مراجعه کنندگان (تقریباً ۳۴ درصد) دارای خانواده‌هایی با تعداد ۷ تا ۹ نفر هستند و می‌توان گفت اکثر مراجعین، در خانواده‌های پرجمعیتی پرورش یافته‌اند. داده‌های جدول فوق نشان می‌دهد که حدود ۱۰/۵ درصد از مراجعین سابقه‌ی طلاق داشته‌اند و حدود ۳۸ درصد از مراجعین، با همسرانشان نسبت فامیلی داشته‌اند. تنها ۱۶ درصد از مراجعین گزارش داده‌اند که قبل از ازدواج، آشنایی زیادی از همسر خود داشته‌اند و دو برابر این افراد (۳۳ درصد) آشنایی کمی از همسر خود داشته‌اند. در رابطه با نحوه‌ی انتخاب همسر، مشاهده می‌شود که ۲۶/۵ درصد از ایشان، شخصاً و مستقل از خانواده، همسر خود را انتخاب کرده‌اند. اما اکثر آنان (۴۷/۷ درصد) به کمک خانواده‌های خود، به انتخاب همسر اقدام کرده‌اند. همچنین مشاهده می‌شود که به لحاظ تعداد فرزند، اکثر مراجعه کنندگان به مراکز کاهش طلاق (۴۰/۶ درصد)، دارای ۱ تا ۲ فرزند می‌باشند.

### میزان گرایش به طلاق

به منظور شناخت دقیق از میزان گرایش به طلاق در بین زوجین مورد مطالعه، نتایج حاصله از دسته‌بندی این گرایش، برحسب برخی از متغیرهای زمینه‌ای و فرضیه‌ای در جدول شماره (۶) آورده شده است. بر اساس اطلاعات جدول، بیش از نیمی از مراجعین (۵۲/۷ درصد)، گرایش متوسطی به طلاق داشته‌اند؛ در حالی که فقط ۷/۶ درصد از مراجعین گرایش قوی به طلاق داشته‌اند و این در حالی است که ۳۹/۷ درصد از مراجعین گرایش ضعیفی به طلاق داشته‌اند. با توجه به داده‌های جدول، قوی‌ترین میزان گرایش به طلاق، به ترتیب در بین زوجینی بوده است که اظهار کرده‌اند دیگران در زندگی آنان



## Archive of SID

دخالت بی‌جای زیادی داشته‌اند، رضایت زناشویی پایینی داشته‌اند، سابقه طلاق داشته‌اند و شناخت کمی از همسر خود قبل از ازدواج داشته‌اند و خودشان تصور مثبت‌تری از پیامدهای طلاق در ذهن داشته‌اند. در حالی که ضعیف‌ترین میزان گرایش به طلاق، به ترتیب در میان زوجینی بوده است که ۴ تا ۶ فرزند داشته‌اند، تفاوت منزلتی کمی با همسران خود گزارش داده‌اند، بیشتر از ۱۰ سال سابقه زندگی مشترک داشته‌اند و همسران خود را به کمک والدین خود انتخاب کرده‌اند و زوجینی بودند که قبل از ازدواج شناخت زیادی از همدیگر داشته‌اند.

متغیرها	گرایش به طلاق		گرایش ضعیف		گرایش متوسط		گرایش قوی		جمع کل		میانگین گرایش به طلاق
	تعداد	درصد	تعداد	درصد	تعداد	درصد	تعداد	درصد	تعداد	درصد	
کل پاسخگویان											
جنسیت	مرد	۱۰	۶	۹۵	۵۷/۶	۶۰	۳۶/۴	۱۶۵	۱۰۰	۲۵	
	زن	۱۵	۹/۱	۷۹	۴۷/۹	۷۱	۴۳	۱۶۵	۱۰۰	۲۹/۳	
تفاوت سنی زوجین	کمتر از ۵ سال	۹۶	۴۱/۷	۱۱۶	۵۰/۵	۱۸	۷/۸	۲۳۰	۱۰۰	۲۶/۵	
	۵ تا ۱۰ سال	۳۲	۴۱/۵	۴۰	۵۲	۵	۶/۵	۷۷	۱۰۰	۲۸/۲	
مدت زمان زندگی مشترک	بیشتر از ۱۰ سال	۳	۱۳	۱۸	۷۸/۳	۲	۸/۷	۲۳	۱۰۰	۳۰/۶	
	کمتر از ۵ سال	۴۶	۲۹/۵	۸۸	۵۶/۴	۲۲	۱۴/۱	۱۵۶	۱۰۰	۳۰/۶	
مدت زمان زندگی مشترک	۵ تا ۱۰ سال	۶۳	۴۸/۵	۶۵	۵۰	۲	۱/۵	۱۳۰	۱۰۰	۲۴/۵	
	بیشتر از ۱۰ سال	۲۲	۵۰	۲۱	۴۷/۷	۱	۲/۳	۴۴	۱۰۰	۲۲/۷	
تعداد فرزند	بدون فرزند	۲۰	۲۶/۷	۴۳	۵۷/۳	۱۲	۱۶	۷۵	۱۰۰	۳۱/۹	
	۱ تا ۳ فرزند	۶۸	۳۷/۲	۱۰۴	۵۶/۸	۱۱	۶	۱۸۳	۱۰۰	۲۷/۳	
سطح تحصیلات	زیر دیپلم	۴۴	۶۰/۳	۲۷	۳۷	۲	۲/۷	۷۳	۱۰۰	۲۲	
	دیپلم	۶۷	۴۹/۶	۵۷	۴۲/۲	۱۱	۸/۲	۱۳۵	۱۰۰	۲۵/۶	
محل تولد	بالاتر از دیپلم	۱۸	۳۷/۵	۳۰	۶۲/۵	۰	۰	۴۸	۱۰۰	۲۶/۲	
	یکسان	۴۶	۳۱/۳	۸۷	۵۹/۲	۱۴	۹/۵	۱۴۷	۱۰۰	۲۸/۹	
قومیت	پکسان	۱۱۶	۴۳	۱۴۲	۵۲/۶	۱۲	۴/۴	۲۷۰	۱۰۰	۲۵/۹	
	متفاوت	۱۵	۲۵	۳۲	۵۳/۳	۱۳	۲۱/۷	۶۰	۱۰۰	۳۳/۱	
میزان درآمد	پکسان	۱۲۱	۴۳/۲	۱۴۷	۵۲/۵	۱۲	۴/۳	۲۸۰	۱۰۰	۲۵/۷	
	متفاوت	۱۰	۲۰	۲۷	۵۴	۱۳	۲۶	۵۰	۱۰۰	۳۵/۸	
سابقه‌ی طلاق	پایین	۶۵	۴۹/۶	۶۳	۴۸/۱	۳	۲/۳	۱۳۱	۱۰۰	۲۶/۳	
	متوسط	۳۱	۳۰/۴	۵۶	۵۶/۹	۱۵	۱۴/۷	۱۰۲	۱۰۰	۳۰	
میزان شناخت از همسر	پالا	۲۵	۳۵/۲	۳۹	۵۴/۹	۷	۹/۹	۷۱	۱۰۰	۲۵/۷	
	دارد	۷	۲۰/۶	۱۷	۵۰	۱۰	۲۹/۴	۳۴	۱۰۰	۳۵/۶	
نحوه‌ی انتخاب همسر	ندارد	۱۲۴	۴۲/۳	۱۵۴	۵۲/۶	۱۵	۵/۱	۲۹۳	۱۰۰	۲۶/۱	
	کم	۱۷	۱۵/۶	۷۳	۶۷	۱۹	۱۷/۴	۱۰۹	۱۰۰	۳۴/۸	
دخالت بی‌جای دیگران در زندگی زوجین	متوسط	۸۶	۵۱/۲	۷۶	۴۵/۲	۶	۳/۶	۱۶۸	۱۰۰	۲۳/۶	
	زیاد	۲۸	۵۲/۸	۲۵	۴۷/۲	۰	۰	۵۳	۱۰۰	۲۲/۸	
رضایت زندگی زناشویی	خود فرد	۱۹	۲۱/۸	۵۳	۶۰/۹	۱۵	۱۷/۳	۸۷	۱۰۰	۳۲/۸	
	والدین	۹۱	۵۸	۶۲	۳۹/۵	۴	۲/۵	۱۵۷	۱۰۰	۲۲/۷	
تفاوت منزلت اجتماعی زوجین	اطرافیان	۲۰	۲۳/۵	۵۹	۶۹/۴	۶	۷/۱	۸۵	۱۰۰	۲۹/۹	
	کم	۱۰۶	۴۹/۸	۱۰۶	۴۹/۸	۱	۰/۴	۲۱۳	۱۰۰	۲۳/۱	
تفاوت سنی زوجین	متوسط	۱۸	۳۹/۱	۲۷	۵۸/۷	۱	۲/۲	۴۶	۱۰۰	۲۵/۹	
	زیاد	۷	۹/۹	۴۱	۵۷/۷	۲۳	۳۲/۴	۷۱	۱۰۰	۴۰/۳	
تفاوت سنی زوجین	کم	۷	۱۳/۲	۳۲	۶۰/۴	۱۴	۱۶/۴	۵۳	۱۰۰	۳۷/۶	
	متوسط	۲۵	۴۲/۴	۳۲	۵۴/۲	۲	۳/۴	۵۹	۱۰۰	۲۴/۹	
تفاوت سنی زوجین	زیاد	۹۹	۴۵/۴	۱۱۰	۵۰/۵	۹	۴/۱	۲۱۸	۱۰۰	۲۷/۲	
	کم	۳۵	۵۱/۵	۲۹	۴۲/۶	۴	۵/۹	۶۸	۱۰۰	۲۲/۱	
تصور مثبت از	متوسط	۵۷	۵۴/۳	۴۷	۴۴/۸	۱	۰/۹	۱۰۵	۱۰۰	۲۳/۱	
	زیاد	۳۹	۲۴/۹	۹۸	۶۲/۴	۲۰	۱۲/۷	۱۵۷	۱۰۰	۳۲/۲	
	کم	۷۷	۴۷/۸	۷۸	۴۸/۵	۶	۳/۷	۱۶۱	۱۰۰	۲۴	

همانگونه که آزمون فرضیات در جدول شماره (۷) نشان می‌دهد، تمامی فرضیات تحقیق تأیید گردیده‌اند. به عبارت واضح‌تر، بر اساس ضریب همبستگی پیرسون، میزان دخالت بی‌جای دیگران در زندگی زوجین، میزان رضایت از زندگی زناشویی، میزان تفاوت منزلتی زوجین و میزان تصور مثبت از پیامدهای طلاق (به عنوان متغیرهای مستقل) با میزان گرایش به طلاق، رابطه مستقیم و کاملاً معنادار داشته‌اند. به این ترتیب نتایج به دست آمده قابل تعمیم به جامعه آماری تحقیق (زوجینی که در ۹ ماه از ابتدای سال ۱۳۸۹ به مراکز کاهش طلاق در سطح استان اصفهان مراجعه کرده‌اند و پرونده‌های آنان هنوز منجر به مصالحه نشده است)، می‌باشد.

جدول شماره ۷: آزمون فرضیات تحقیق با استفاده از ضریب همبستگی پیرسون

سطح معناداری (sig.)	ضریب همبستگی پیرسون	فرضیات تحقیق
۰/۰۰۰	۰/۶۸۲	هر اندازه دخالت بی‌جای اطرافیان بیشتر باشد، میزان گرایش به طلاق افزایش می‌یابد.
۰/۰۰۰	-۰/۳۹۹	هر اندازه رضایت زندگی زناشویی کمتر باشد، میزان گرایش به طلاق افزایش می‌یابد.
۰/۰۰۰	۰/۵۴۹	هر اندازه تفاوت منزلت اجتماعی زوجین بیشتر باشد، میزان گرایش به طلاق افزایش می‌یابد.
۰/۰۰۰	۰/۳۵۴	هر اندازه تصور مثبت از پیامدهای طلاق بیشتر باشد، میزان گرایش به طلاق افزایش می‌یابد.

### تحلیل رگرسیون چند متغیره

فرضیه اصلی تحقیق بیانگر این مطلب است که «به نظر می‌رسد در استان اصفهان، مهم‌ترین عامل مؤثر در گرایش زوجین به طلاق، دخالت بی‌جای دیگران در زندگی آنان باشد». این فرضیه در پی رسیدن به پاسخ این سؤال است که: «آیا میزان دخالت بی‌جای اطرافیان در زندگی زناشویی زوجین، نسبت به دیگر متغیرهای مؤثر، تأثیر بیشتری در گرایش به طلاق دارد یا نه؟». برای پاسخ به این سؤال از طریق آزمون رگرسیون چند متغیره، میزان تأثیر این متغیرها را آزموده‌ایم که نتایج حاصل از آن، در ادامه ارائه می‌شود.

جدول شماره ۸: خلاصه مدل رگرسیون چند متغیره میزان گرایش به طلاق

R	R-square	Adjusted R-square	F	Sig.
۰/۷۳۴	۰/۵۳۹	۰/۵۳۴	۹۵/۱۴۵	۰/۰۰۰

داده‌های جدول شماره (۸) نشان‌دهنده این مطلب است که ضریب همبستگی چندگانه (R)، برابر با ۰/۷۳۴ می‌باشد و بیانگر این نکته است که چهار متغیر میزان دخالت بی‌جای دیگران، میزان رضایت زندگی زناشویی، میزان تفاوت منزلت اجتماعی و میزان تصور مثبت از پیامدهای طلاق، به طور همزمان به مقدار ۰/۷۳۴ با میزان گرایش به طلاق همبستگی داشته‌اند. همچنین، ضریب تعیین<sup>۱</sup> یا سنج هم‌خوانی (که بیانگر تغییرات در واریانس متغیر وابسته، بر اثر نوسانات متغیر مستقل است)، معادل ۰/۵۳۹ محاسبه شده است که حاکی از آن است که ۵۳/۹ درصد از تغییرات در میزان گرایش به طلاق، از طریق چهار متغیر مستقل مذکور قابل توضیح است. همچنین، ستون مربوط به ضریب اصلاح شده<sup>۲</sup>، نیز نشان می‌دهد که ۵۳/۴ درصد از تغییرات در میزان گرایش به طلاق در جامعه آماری، توسط متغیرهای چهارگانه مذکور قابل توضیح و تبیین است. نسبت F مشاهده شده جهت آزمون معناداری ضریب تعیین، معادل ۹۵/۱۴ محاسبه گردید که سطح معناداری آن برابر با  $\text{sig}=0/000$  می‌باشد. به منظور فهم دقیق‌تر شدت و جهت تأثیرات هر یک از متغیرهای مستقل در تبیین و پیش‌بینی میزان گرایش به طلاق، می‌توان به جدول شماره (۹) مراجعه کرد.

جدول شماره (۹) ضرایب تأثیر مدل تبیین‌کننده میزان گرایش به طلاق

Sig.	t	Beta	B	متغیرهای مستقل
۰/۰۰۰	۱۰/۶۷	۰/۴۹۱	۰/۴۴۹	میزان دخالت بی‌جای دیگران در زندگی زناشویی
۰/۰۰۰	۰/۰۵	۰/۲۲۹	۰/۳۴۱	میزان تفاوت منزلت اجتماعی
۰/۳۰۰	-۳	-۰/۱۲۴	-۰/۱۲۶	میزان رضایت زندگی زناشویی
۰/۰۴۴	۲/۰۲	۰/۰۸۳	۰/۰۷۳	میزان تصور مثبت از پیامدهای طلاق

ضریب تأثیر غیر استاندارد (B)، نشان می‌دهد که به ازای یک واحد افزایش در واریانس میزان دخالت بی‌جای دیگران در زندگی زوجین، ۰/۴۴۹ واحد بر میزان گرایش پاسخگویان به طلاق افزوده می‌شود. علاوه بر این ضریب استاندارد (Beta) گویای جهت و به‌ویژه شدت تأثیر هر یک از متغیرهای مستقل، بر میزان گرایش به طلاق است. بر این اساس، متغیر میزان دخالت بی‌جای دیگران در زندگی زوجین با بالاترین ضریب

1- R-Square(R2)

2- Adjusted R-Square

## Archive of SID

بتا ( $Beta = 0/491$ )، قوی‌ترین پیش‌بینی کننده میزان گرایش به طلاق است. بنابراین فرضیه اصلی تحقیق که مبتنی بر معرفی متغیر دخالت بی‌جای اطرافیان در زندگی زوجین به عنوان تأثیرگذارترین متغیر در گرایش به طلاق می‌باشد، تأیید می‌گردد. در مرتبه دوم، متغیر میزان تفاوت منزلت اجتماعی زوجین، با بتای معادل  $0/229$  قرار گرفته است که حاکی از تأثیر مستقیم تفاوت منزلت اجتماعی زوجین بر میزان گرایش به طلاق است. در مرتبه سوم، متغیر میزان رضایت زندگی زناشویی، با بتای معادل  $0/124$  - قرار گرفته است که حاکی از تأثیر مستقیم و منفی میزان رضایت زندگی زناشویی بر میزان گرایش به طلاق می‌باشد. در نهایت، متغیر میزان تصور مثبت از پیامدهای طلاق با دارا بودن ضعیف‌ترین ضریب تأثیر استاندارد ( $Beta = 0/083$ )، حاکی از تأثیر مستقیم این متغیر در گرایش به طلاق است. بدین ترتیب، می‌توان بر اساس ضرایب تأثیر استاندارد، تأثیرگذارترین متغیرهای مستقل بر میزان گرایش به طلاق را به شرح زیر مرتب نمود:

۱- میزان دخالت بی‌جای اطرافیان در زندگی زوجین با تأثیر افزایش بر میزان گرایش به طلاق ( $Beta = 0/491$ ).

۲- میزان تفاوت منزلت اجتماعی زوجین با تأثیر افزایش بر میزان گرایش به طلاق ( $Beta = 0/229$ ).

۳- میزان رضایت زندگی زناشویی با تأثیر کاهش بر میزان گرایش به طلاق ( $Beta = 0/124$ ).

۴- میزان تصور مثبت از پیامدهای طلاق با تأثیر افزایش بر میزان گرایش به طلاق ( $Beta = 0/083$ ).

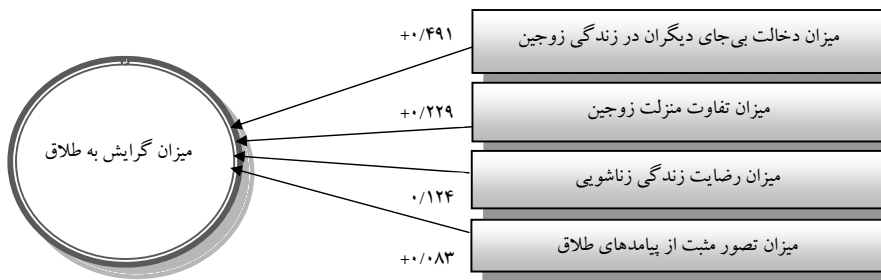
معادله رگرسیونی استاندارد را می‌توان بر مبنای ضرایب بتا به شرح زیر نوشت:

$$\text{میزان گرایش به طلاق} = (\text{میزان دخالت بی‌جای اطرافیان در زندگی زوجین}) \times 0/491 + (\text{میزان تفاوت منزلت اجتماعی زوجین}) \times 0/229 + (\text{میزان رضایت زندگی زناشویی}) \times 0/124 + (\text{میزان تصور مثبت از پیامدهای طلاق}) \times 0/083$$

در نهایت مدل تحلیلی پژوهش، آثار مستقیم و شدت اثر هر یک از متغیرهای موجود در مدل تحلیل را نشان می‌دهد (نمودار شماره ۳).



نمودار شماره ۳: تحلیل مدل تحقیق



**بحث و نتیجه‌گیری**

در این تحقیق نتایجی در مورد رابطه برخی عوامل موجود با گرایش زوجین به طلاق و رضایت زناشویی به دست آمد. به عنوان نمونه با بررسی داده‌ها به این نتیجه رسیدیم که زنان بیشتر از مردان آرا و نظرات دیگران را در زندگی زناشویی خود دخالت می‌دهند و تصورات مثبت مردان از پیامدهای طلاق، بیشتر از زنان است. به این معنی که پیامدهای منفی طلاق بیشتر متوجه زنان است و زندگی آنان را بیشتر از مردان تحت تأثیر خود قرار می‌دهد.

با تحلیل استنباطی داده‌ها به این نتیجه رسیدیم که زنانی که در سن پایین اقدام به ازدواج کرده‌اند، گرایش بیشتری به طلاق دارند. اما در رابطه با مردان هیچ همبستگی معناداری وجود ندارد. هرچه مدت زمان زندگی مشترک زنان بیشتر می‌شود، میزان گرایش آنان به طلاق کمتر می‌شود. اما این متغیر در مورد گرایش مردان به طلاق بی‌تأثیر است. تعداد فرزندان باعث تغییر در میزان گرایش زنان به طلاق می‌شود. با افزایش تعداد فرزندان، میزان گرایش زنان به طلاق کمتر می‌شود. هرچند با افزایش تعداد فرزندان، گرایش مردان نیز به طلاق کمتر می‌شود، اما از لحاظ آماری معنادار نیست. با توجه به این اطلاعات متوجه می‌شویم که با افزایش سطح تحصیلات زنان میزان گرایش آنان به طلاق افزایش می‌یابد ولی در مورد مردان باید گفت که با افزایش سطح تحصیلاتشان، میزان گرایش آنان به طلاق کاهش می‌یابد. با افزایش مرتبه شغلی زنان، میزان گرایش آنان به طلاق نیز افزایش می‌یابد. اما مردان با افزایش مرتبه شغلی، میزان کمتری از گرایش به طلاق را گزارش داده‌اند، که البته از لحاظ آماری معنادار نیست. با افزایش درآمد زنان،

## Archive of SID

میزان گرایش آنان به طلاق نیز افزایش می‌یابد ولی برای مردان اینگونه نیست. همچنین هرچه میزان شناخت زنان و مردان از هم، قبل از ازدواج بیشتر باشد، میزان گرایش ایشان به طلاق کمتر است. علاوه بر نتایج فوق، با بررسی ارتباط برخی از متغیرها بر میزان رضایت زناشویی به نتایج زیر دست یافتیم.

با افزایش درآمد زنان، رضایت آنان از زندگی زناشویی نیز افزایش پیدا می‌کند. ولی درآمد مردان رابطه‌ای با میزان رضایت زندگی زناشویی آنان ندارد. وجود تفاوت سنی بسیار زیاد میان زنان و مردان باعث کاهش میزان رضایت از زندگی زناشویی ایشان می‌شود اما این ارتباط و همبستگی در میان زنان شدیدتر از مردان می‌باشد. با افزایش مدت زمان زندگی مشترک زنان، میزان رضایت زندگی زناشویی ایشان نیز افزایش پیدا می‌کند اما این متغیر در مورد مردان بی‌تأثیر است. بین تفاوت سطح تحصیلات زنان با همسرانشان و میزان رضایت از زندگی زناشویی ایشان رابطه معناداری منفی وجود دارد. به این معنی که هر قدر تفاوت تحصیلات زن و مرد کمتر شود، میزان رضایت از زندگی زناشویی زنان بیشتر می‌شود. ولی در مورد مردان رابطه معناداری بین تفاوت تحصیلات مردان و زنان و میزان رضایت از زندگی زناشویی مردان وجود ندارد.

نتایج به دست آمده از این تحقیق در راستای تحکیم مبانی نظری به کار رفته و نیز تأیید یافته‌های پژوهشی پیشین می‌باشد. بر اساس نظریه شبکه، هرچه دخالت اطرافیان در زندگی زناشویی بیشتر باشد، گرایش آنان به طلاق افزایش می‌یابد. پس از بررسی نتایج به دست آمده از این آزمون مشخص گردید که در بین مراجعین به مراکز دخالت در خانواده و کاهش طلاق بهزیستی استان اصفهان هر اندازه که دخالت بی‌جای اطرافیان بیشتر شود، میزان گرایش زوجین به طلاق نیز افزایش می‌یابد. این یافته نظری در پژوهش حاضر، نظیر سایر تحقیقات پیشین (پیران، ۱۳۶۹؛ رحیمی، ۱۳۵۹؛ شعبانی، ۱۳۸۳؛ قطبی، ۱۳۸۳؛ بهرامی، ۱۳۸۶) مورد تأیید قرار گرفته است.

همچنین نظریه مبادله پیش‌بینی می‌کند زمانی که هریک از زوجین هزینه‌های یک زندگی زناشویی را بیش از منافع آن ارزیابی نمایند، احتمال گسستن این رابطه وجود خواهد داشت. در پژوهش حاضر به این نتیجه رسیدیم که هر قدر میزان رضایت زناشویی افزایش یابد، میزان گرایش زوجین به طلاق کاهش پیدا می‌کند. همانگونه که از نتیجه

تحقیق برآمد، رضایت زناشویی عاملی تأثیرگذار در گرایش زوجین به طلاق می‌باشد. این نکته در پژوهش‌های پیشین نیز تأیید شده است (سیف الهی، ۱۳۶۷؛ پیران، ۱۳۶۹؛ رحیمی، ۱۳۷۹؛ شیرزاد، ۱۳۷۹؛ ریحانی، ۱۳۸۱؛ قطبی، ۱۳۸۳؛ بهرامی، ۱۳۸۶). در این تحقیقات نیز عدم رضایت زناشویی به عنوان عاملی معرفی شده است که می‌تواند موجب وقوع طلاق شود.

یکی از فرضیه‌های این تحقیق، مؤثر بودن تفاوت منزلت اجتماعی در میزان گرایش به طلاق است. پشتوانه نظری این فرضیه، نظریه همسان همسری و قشربندی اجتماعی است. بر اساس نظریه قشربندی اجتماعی، خانواده‌هایی که منزلت‌های متفاوت اجتماعی دارند، به دلیل نابرابری‌های اقتصادی - اجتماعی، توان هموایی و سازگاری با تغییرات و دگرگونی سریع را نداشته و دچار بی‌هنجاری‌های اجتماعی می‌شوند. در چنین شرایطی ناسازگاری‌های زناشویی شکل گرفته و طلاق رخ می‌دهد. نظریه همسان همسری نیز که استحکام خانواده را ناشی از وجود ویژگی‌های همسان میان زن و شوهر می‌داند، معتقد است که همسانی میان دو فرد، نه تنها آنان را به سوی یکدیگر جذب می‌کند بلکه پیوند و وصلت ایشان را استوار می‌سازد. در تحقیق حاضر نیز این نتیجه به دست آمده که هر چه میزان تفاوت منزلتی زوجین بیشتر باشد، میزان گرایش آنان به طلاق نیز افزایش می‌یابد. این یافته پژوهش حاضر نیز در راستای پژوهش‌های پیشین بوده است و نتایج به دست آمده در سایر تحقیقات (سیف الهی، ۱۳۶۷؛ پیران، ۱۳۶۹؛ رحیمی، ۱۳۷۹؛ ریحانی، ۱۳۸۱؛ شیرزاد، ۱۳۸۳؛ قطبی، ۱۳۸۳) مورد تأیید قرار گرفته است. در نظر گرفتن عامل تصور مثبت از پیامدهای طلاق از نظریه‌های تصورات اجتماعی و مبادله مشتق شده است. بر اساس نظریه تصورات اجتماعی تصور برآمده از اموری که انسان با آن‌ها برخورد دارد، از شخصی به شخص دیگر و حتی در یک شخص، از زمانی به زمان دیگر فرق می‌کند. به همین ترتیب تصور هر فرد از پیامدهای طلاق می‌تواند متفاوت از دیگری باشد و هرچه این تصورات مثبت باشد، میزان گرایش به طلاق نیز افزایش می‌یابد زیرا همان طور که گفته شد بر اساس نظریه مبادله فرد با قرار دادن پیامدهای منفی و مثبت طلاق در مقابل هم، تصور خود را از این پدیده شکل می‌دهد. در این تحقیق نیز به این نتیجه رسیدیم که هر قدر تصور مثبت از پیامدهای طلاق بیشتر شود، میزان گرایش به طلاق نیز افزایش می‌یابد.

## Archive of SID

این پیش فرض نظریه مبادله و تصورات اجتماعی نیز، در پژوهش حاضر نظیر پژوهش انجام شده توسط جلیلیان (۱۳۷۸) و بهرامی (۱۳۸۶) مورد تأیید قرار گرفته است. بنابراین داشتن تصورات مثبت از پیامدهای طلاق سبب می شود تا فرد تصور کند با گسستن پیوند زناشویی و قطع این رابطه مبتنی بر مبادله اجتماعی، می تواند بعد از طلاق از منفعت (مادی یا غیرمادی) بیشتری در مقایسه با زندگی مشترک برخوردار شود. اما برای مشخص شدن مؤثرترین عامل اجتماعی گرایش به طلاق، پس از بررسی های اطلاعات به دست آمده از آزمون رگرسیون چندگانه، به این نتیجه رسیدیم که متغیر میزان دخالت بی جای دیگران در زندگی زوجین با بالاترین ضریب بتا ( $Beta = ۰/۴۹۱$ )، قوی ترین پیش بینی کننده میزان گرایش به طلاق است. بنابراین فرضیه اصلی تحقیق که مبتنی بر معرفی متغیر دخالت بی جای اطرافیان در زندگی زوجین به عنوان تأثیرگذارترین متغیر در گرایش به طلاق می باشد، نیز تأیید می گردد.

- ۱- آقاجانی مرسا، حسین(۱۳۸۴)، «عوامل مؤثر در طلاق بر حسب طبقه اجتماعی، مورد: شهر تهران»، جامعه‌شناسی، سال اول، شماره ۲، صص ۶۴-۳۱.
- ۲- اینهام، ان(۱۳۷۵)، طرح پرسشنامه و سنجش نگرش‌ها، ترجمه مرضیه کریم‌نیا، مشهد: انتشارات آستان قدس رضوی.
- ۳- بدار، لوک و دیگران(۱۳۸۱)، روان‌شناسی اجتماعی، ترجمه حمزه گنجی، تهران: نشر ساوالان.
- ۴- برناردز، جان(۱۳۸۴)، درآمدی به مطالعات خانواده، ترجمه حسین قاضیان، تهران: نشر نی.
- ۵- بنی اسدی، ح(۱۳۷۵)، بررسی و مقایسه عوامل فردی، اجتماعی و شخصیتی در زوج‌های سازگار و ناسازگار شهر کرمان، پایان‌نامه کارشناسی ارشد رشته روان‌شناسی عمومی، دانشکده علوم انسانی، دانشگاه تربیت مدرس.
- ۶- بهرامی کااوند، سیاوش(۱۳۸۶)، «تحلیل جامعه‌شناسی میزان گرایش به طلاق(مطالعه موردی شهرستان کرمانشاه)»، پژوهش زنان، دوره ۵، شماره ۳، صص ۱۴۰-۱۰۹.
- ۷- پیران، پرویز(۱۳۶۹)، «در پی تبیین جامعه‌شناختی طلاق»، نشریه رونق، سال اول، شماره اول، صص ۴۱-۳۴.
- ۸- تقی‌زاده، اسماعیل(۱۳۵۹)، علل و عوامل مؤثر در طلاق، دانشگاه تهران: دانشکده علوم اجتماعی، پایان‌نامه کارشناسی ارشد علوم اجتماعی.
- ۹- توسلی، غلامعباس(۱۳۷۱)، نظریه‌های جامعه‌شناسی، تهران: سمت.
- ۱۰- ثنایی ذاکر و زهرا باقریان(۱۳۸۱)، «بررسی ابعاد نارضایتی زناشویی زنان و مردان متقاضی طلاق در شهر اصفهان»، دانش و پژوهش در روان‌شناسی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد خوراسگان(اصفهان)، شماره ۱۵، صص ۷۸-۶۱.
- ۱۱- جلیلیان، زهرا(۱۳۷۸)، عوامل اجتماعی مؤثر بر درخواست طلاق در شهر تهران. پایان‌نامه کارشناسی ارشد جامعه‌شناسی، دانشگاه علامه طباطبایی.
- ۱۲- حسینی، حسن(۱۳۸۶)، جامعه‌شناسی نظام گسیختگی خانواده و طلاق، چاپ اول، تهران: سلمان.
- ۱۳- حقانی زنجانی، حسین(۱۳۷۴)، طلاق یا فاجعه انحلال خانواده، تهران: دفتر نشر فرهنگ اسلامی.
- ۱۴- دانش، کتابیون و دیگران(۱۳۷۰)، علل و عوامل مؤثر بر طلاق در شهر تهران، دانشگاه علامه طباطبایی، پایان‌نامه کارشناسی ارشد رشته جامعه‌شناسی.
- ۱۵- داودی، پرستو(۱۳۵۶)، علل و عوامل طلاق، تهران: دانشگاه تهران، پایان‌نامه کارشناسی ارشد.
- ۱۶- رابرتسون، یان(۱۳۷۲)، درآمدی بر جامعه با تأکید بر نظریه‌های کارکردگرایی، ستیز و کنش متقابل نمادی، ترجمه حسین بهروان، مشهد: آستان قدس رضوی.
- ۱۷- رحمان‌نیا، عباس(۱۳۷۴)، طلاق و علل آن در شهر تهران، دانشگاه علوم انتظامی، پایان‌نامه



کارشناسی ارشد.

- ۱۸- رحیمی، حسین (۱۳۷۹)، «بررسی عوامل طلاق در استان خراسان»، فصلنامه جمعیت، سال هشتم، شماره‌های ۳۳ و ۳۴، صص ۱۱۲-۱۰۰.
- ۱۹- روشه، گئی (۱۳۷۲) تغییرات اجتماعی، ترجمه منصور وثوقی، چاپ چهارم، تهران: نشر نی.
- ۲۰- ریحانی، طیبه و محمود عجم (۱۳۸۱)، «بررسی علل طلاق در شهر گناباد سال ۱۳۸۱»، افق دانش، پاییز و زمستان ۱۳۸۱، صص ۱۰۰-۹۶.
- ۲۱- ساروخانی، باقر (۱۳۷۶)، طلاق: پژوهشی در شناخت واقعیت و عوامل آن، چاپ دوم، تهران: انتشارات دانشگاه تهران.
- ۲۲- \_\_\_\_\_ (۱۳۸۵)، مقدمه ای بر جامعه‌شناختی خانواده، چاپ هشتم، تهران: انتشارات سروش.
- ۲۳- سپهریان، فیروزه (۱۳۷۹)، «بررسی مقدماتی عوامل مؤثر بر طلاق و راه‌های پیشگیری از آن»، فصلنامه علمی پژوهشی اصول بهداشت روانی، شماره‌های ۵ و ۶، صص ۲۹-۱۷.
- ۲۴- ستوده، هدایت‌الله (۱۳۷۹)، آسیب‌شناسی اجتماعی، چاپ ششم، تهران: انتشارات آوای نو.
- ۲۵- سگال، مارتین (۱۳۷۰)، جامعه‌شناسی تاریخی خانواده، ترجمه محسن ثلاثی، تهران: نشر مرکز.
- ۲۶- سیف‌الهی ننه کران، حجت‌الله (۱۳۶۷)، بررسی علت‌های طلاق، پروژه‌ی تحقیقاتی، دانشگاه شهید بهشتی.
- ۲۷- شکرکن، حسین و دیگران (۱۳۸۵)، «بررسی ویژگی‌های شخصیتی، مهارت‌های اجتماعی، سبک‌های دلبستگی و ویژگی‌های جمعیت‌شناختی به‌عنوان پیش‌بین‌های موفقیت و شکست رابطه زناشویی در زوج‌های متقاضی طلاق و عادی در اهواز»، مجله علوم تربیتی و روانشناسی دانشگاه شهید چمران اهواز، دوره سوم، سال سیزدهم، شماره ۱.
- ۲۸- شیرزاد، جلال و امیر محمد کاظمی فر (۱۳۸۳)، «مطالعه همه‌گیر شناسی زوجین در حال طلاق ارجاعی به اداره کل پزشکی قانونی استان همدان در سال ۱۳۷۹»، مجله علمی پزشکی قانونی، شماره ۳۶، صص ۲۱۲-۲۰۷.
- ۲۹- صادقی، سعید (۱۳۸۰)، بررسی عوامل شخصیتی مؤثر در سازگاری زناشویی، پایان‌نامه کارشناسی ارشد روان‌شناسی بالینی، انستیتو روان‌پزشکی تهران، دانشگاه علوم پزشکی و خدمات بهداشتی درمانی ایران.
- ۳۰- صالح صدق‌پور، بهرام (۱۳۷۷)، «بررسی عواملی که منجر به اختلاف خانوادگی و طلاق می‌شود»، مجله اصلاح و تربیت، دوره چهارم، شماره ۳۹، صص ۳۰-۲۶.
- ۳۱- صدر، حسن (۱۳۲۷)، حقوق زن در اسلام و اروپا، تهران: قیام.
- ۳۲- طباطبایی، جعفر و سمانه السادات (۱۳۸۳)، بررسی طلاق و عوامل اجتماعی مؤثر بر آن در شهرستان

بیرجند؛ دانشگاه شهید بهشتی، پژوهشکده خانواده، پایان‌نامه کارشناسی ارشد.

۳۳- فاتحی زاده، مریم و همکاران (۱۳۸۳)، «بررسی تأثیر عوامل خانوادگی در پایین بودن آمار طلاق در شهرهای یزد، اردکان و میبد»، مطالعات تربیتی و روان‌شناسی، دوره اول، شماره ۶، صص ۱۳۶-۱۱۷.

۳۴- فیض کاشانی، ملاحسن (۱۳۶۲)، صافی، تهران: انتشارات اسلامی.

۳۵- قطبی، مرجان و دیگران (۱۳۸۳)، «وضعیت طلاق و برخی عوامل مؤثر در افراد مطلقه ساکن در منطقه دولت آباد»، فصلنامه علمی پژوهشی رفاه اجتماعی، سال سوم، شماره ۱۲.

۳۶- کریمی تهرانی، شهین (۱۳۵۸)، طلاق و علل آن، تهران: دانشگاه تهران، پایان‌نامه کارشناسی.

۳۷- کلدی، علی رضا و عین‌الله شعبانی (۱۳۸۳)، «بررسی برخی عوامل اجتماعی مؤثر بر تقاضای طلاق در بین زوجین متقاضی طلاق شهر تبریز طی سال‌های ۸۰-۱۳۷۹»، فصلنامه جمعیت، شماره‌های ۴۷ و ۴۸، صص ۱۳۸-۱۱۹.

۳۸- گلشن، صیاد (۱۳۷۲)، بررسی طلاق و عوامل اجتماعی - جمعیت‌شناختی مؤثر بر آن در شهرستان خوی، دانشگاه تهران: پایان‌نامه کارشناسی ارشد، رشته جامعه‌شناسی.

۳۹- گواهی، زهرا (۱۳۷۳)، بررسی حقوق زنان در مسئله طلاق، چاپ اول، تهران: مرکز چاپ و نشر سازمان تبلیغات اسلامی.

۴۰- گیدنز، آتوننی (۱۳۸۵)، جامعه‌شناسی، ترجمه منوچهر صبوری، چاپ چهارم، تهران: نشر نی.

۴۱- محسنی، منوچهر (۱۳۶۶)، جامعه‌شناسی عمومی، چاپ هشتم، تهران: کتابخانه طهوری.

۴۲- مختاری، حسین (۱۳۷۹)، بررسی علل طلاق در استان یزد در سال‌های ۷۹-۱۳۷۷، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشکده مدیریت دولتی یزد.

۴۳- مددی، حسین (۱۳۸۰)، بررسی علل تقاضای طلاق زوجین در شهرستان اراک، تهران: دانشگاه علوم بهزیستی و توانبخشی، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، رشته مددکاری اجتماعی.

۴۴- ملتفت، حسین (۱۳۸۱)، بررسی عوامل مؤثر بر گرایش زوجین به طلاق در شهرستان داراب، دانشگاه شیراز، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، رشته جامعه‌شناسی.

۴۵- مولوی، حسین (۱۳۸۳)، «شناسایی عوامل خطر در ازدواج»، فصلنامه علمی پژوهشی علوم انسانی، دانشگاه الزهراء (س)، سال دوازدهم، شماره ۴۲.

۴۶- مه‌پویان، ابوالقاسم (۱۳۵۴)، بررسی عوامل اجتماعی مؤثر بر طلاق، تهران: دانشگاه تهران، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، رشته جامعه‌شناسی.

۴۷- میر احمدی زاده و همکاران (۱۳۸۲)، «رضامندی زناشویی و تعیین عوامل تأثیرگذار بر آن در شیراز»، اندیشه و رفتار، سال هشتم، شماره ۴.

۴۸- نوایی‌نژاد، شکوه (۱۳۷۴)، «بحران اجتماعی و روانی و ارتباط آن با زلزله در بنیاد خانواده»،

مجموعه مقالات کنگره سال جهانی خانواده، تهران: انتشارات انجمن اولیاء و مربیان جمهوری اسلامی

۴۹- نیک گهر، عبدالحسین (۱۳۶۹)، مبانی جامعه‌شناسی، تهران: رایزن.

۵۰- والچاک، ایوت و شیلا برنس (۱۳۶۶)، طلاق از دید فرزند، ترجمه فرزانه طاهری، تهران: نشر

مرکز.

۵۱- یوسفی ناصر، عذرا اعتمادی، فاطمه بهرامی، سید احمد احمدی و مریم السادات فاتحی زاده (۱۳۸۹)، «مقایسه طرح‌واره‌های ناسازگاری اولیه در همسران مطلقه و عادی بعنوان پیش‌بینی کننده طلاق»، مجله روان‌پزشکی و روان‌شناسی بالینی ایران، سال ۱۶، شماره ۱، صص ۲۱-۳۳.

52- Amato, Paul R. & Stacy J. Rogers. (1997) A Longitudinal Study of Marital Problems and Subsequent of Divorce; Journal of Marriage and the Family, 59: 612-624.

53- Blosfeld, B. & Hom, E. (2000) Causes and Consequences of Divorce: An Introduction to This Special Issue, Journal of Divorce & Remarriage, 4: 98-120.

54- Caces-MF; Harford-TC; Williams-GD; Hanna-EZ. (1999) Alcohol consumption and divorce rates in the United States. J. Stud-Alcohol. Sep;Go(5): 647-652.

55- Doise, W. and Palmonari, A. (1986) «Caracteristique des representations sociales». Texte de base, l'etude des representations sociaux. Paris.

56- Douglass, W. Allen. (2002) No-fault Divorce in Canada: Its Cause and Effect; Journal of Marriage and the Family, 24: 90-130.

57- Edward, J. & Fuller, S.S. (1992) Female Employment and Marital Instability: Evidence from Thailand; Journal of Marriage and the Family, 54(1): 59-68.

58- Farrell, Michael P. (2006) Sibling Effects on Divorce; Research in Multi-Level Issues, 5: 239-242.

59- Ferber, M.A., & Sander, W. (1989) Of women, men, and divorce; Not by economics alone.

60- Figley, R. Charles. (1989) Helping Traumatized Families. Oxford, Jossey-Bass Publishers.

61- Greenstein, Theodore, N. & Shannon, Davis. (2006) Cross-national Variations in Divorce: Effects of Women's Power, Prestige and Dependence; Jour-





nal of Comparative Family Studies, 37(2): 253-273.

62- Herzlich, Claudine. (1970) «La repre'sentation Sociale». Introduction a la psychologie sociale. Sous la direction de Serge Moscovici, Larousse, Universite', Sciences humaines et sociaux. Tom 1, pp. 303-325.

63- Jodelot, Denisse. (1989) «Representation sociaux: un demain en expansion». Les representations sociales. Sous la direction de Denisse Jodelot. P.D.F., Sociologie d'aujourd'hui. Pp.31-61.

64- Kalmjin, M. & Uunk, W. (2007) Regional Differences in Europe and the Social Consequences of Divorce: A Test of the Stigmatization Hypothesis; Social Science Research, 36: 447-468.

65- Lucky, A. (1991) Longitudinal. Study matevial satisfaction. Sociology & capocial Research, 50, 212-216.

66- Mollo, Suzane. (1974) «Representation et images perspectives que se font des deux autres partenaires: les enfants, les parents, les maitres». Traite des sciences pedagogiques. No. 6, P.U.F, pp. 109-120.

67- Moscovici, Serge. (1989) «Des repre'sentations collectives aux repre'sentations sociaux: Ele'mens pour une histoire». In: Jodelot, D. Les repre'sentations sociaux, P.U.F.

68- National vital Statistics Reports. (2000) Birth, Marriages, Divorce, and Deaths, Volume 48, Nomber 13. April 12, 2000.

69- nitawriter.wordpress.com. (2007) A Divorce rates of the world. PRIL 4, 2007.

70- Pothen, Sosamma. (1996) Divorce: Its Causes and Consequences in Hindu Society; New Delhi, Vikas Publishing House PVT LTD.

71- Saulter, A. F. and Lugila, T. A. (1998) Marital Starts and Living Arrangement. March 1996, CENSUSBUREAU. P.420-96.

72- South, S. & Lloyd, K.M. (1995) Spousal Alternatives and Marital Dissolution; American Sociological Review,60: 21-35.

73- Tourraine, Alain; Khosrokhavar, Farhad. (2000) La recherché de soi dialogue sur le Sujet. Fayard, septembre.

74- Waters, Melissa, S. & Ressler, Rand, W. (1998) An Economic Model of Cohabitation and Divorce Department of Economics and Finance, University of Southwestern Louisiana Lafayette, LA USA.

75-Stak, Steven & Elena Bandowski. (1994) «Divorce And Drinking: An Analysis of Russian Data», Journal of Mariage And The Family, Vol. 56, 805-812.

فصلنامه مطالعات اجتماعی



۵۴

فصلنامه مطالعات امنیت اجتماعی